



اطلاعیه کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایران

به مناسبت اول ماه مه

روز جهانی کارگر

(۲۰۲۱)



پاسخ به دو سؤال در مصاحبه با صلاح مازوجی
در آستانه روز جهانی کارگر

جنبش کارگری
در آستانه اول ماه مه!
فرصت‌ها و چالش‌های فرارو!

اعلام کیفرخواست
علیه حکومت مذهبی سرمایه
در اول ماه مه

ویژه جنبش کارگری
تجربه هفت تپه

مرگ بر توهمات فرمیستی
زنده باد مبارزات طبقاتی انقلابی!

اعلامیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست
به مناسبت اول ماه
علیه سرمایه داری، زنده باد انقلاب کارگری!

اول ماه مه در راه است، کارگران ایران امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه روز همبستگی جهانی خود نزدیک می‌شوند که کار و زندگی آنان بشدت تحت فشار پیامدهای بحران اقتصادی و همه‌گیری کرونا قرار گرفته است. افزایش شتابان نرخ تورم و بالا رفتن قیمت کالاهای خوراکی مورد نیاز مردم و قانونی کردن دستمزدهای چهار مرتبه زیر خط فقر تأمین هزینه سبد معیشت خانواده‌های کارگری را به امری شاق بدل کرده است. در همانحال تداوم روند تعطیلی شرکت‌ها و مراکز تولیدی به فاجعه اجتماعی بیکاری ابعاد تازه‌ای بخشیده است. ارزش پول ایران در برابر دلار در عرض یک سال گذشته حدود شصت درصد کاهش پیدا کرده که سقوط قدرت خرید کارگران را به همان اندازه به دنبال داشته است. تحت تأثیر این مجموعه از شاخص‌های اقتصادی پدیده سوء تغذیه و گرسنگی و زندگی کردن در زیر خط فقر به یک نرم عادی تبدیل شده است. از سوی دیگر شیوع ویروس کرونا و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی در مقابله با آن جامعه ایران را با یکی از بی سابقه‌ترین بحران‌های بهداشتی و اجتماعی تاریخ معاصر روبرو ساخته که در نتیجه آن صدها هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند. هجوم مرگبار این بلای طبیعی و قابل پیش‌بینی یک بار ←

به نفع جنبش های اعتراضی و به زیان رژیم تغییر داده است. طبقه کارگر از همین مسیر بطور عینی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را به جلو سوق داده و آن را به نفع قطب چپ جامعه تقویت کرده است. به طوریکه بدون رشد جنبش اعتصابی کارگران در سالهای اخیر و تأثیرات ذهنی آن بر فضای جامعه برپائی خیزش هایی از نوع خیزش سراسری دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ غیر قابل تصور بود.



در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف با تحمیل دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر و موج بیکارسازی ها و از طرف دیگر با ظفره رفتن و تعلق آشکار در زمینه تأمین و ارائه رایگان واکسن کرونا جان و زندگی و معیشت انسان ها را به گرو گرفته است، لازم است خواست دستمزد متناسب با تأمین هزینه یک زندگی انسانی برای همه کارگران شاغل و بازنشسته، تأمین بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار و خواست تأمین و ارائه رایگان و همگانی واکسن کرونا و آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی در قطعنامه های اول ماه مه در صدر مطالبات طبقه کارگر قرار گیرند.

بیایید بنا به سنت هر ساله با طرح مطالبات کارگران و تأکید بر خواسته های آزادی خواهانه، عزم خودمان را در مبارزه علیه فقر و تبعیض و نابرابری و فساد، علیه آپارتاید جنسیتی، علیه سلب آزادهای سیاسی و سرکوب و زندان و اعدام، اعلام کنیم. بیایید با قطعنامه های خود و اعلام عزم راسخ در مبارزه علیه نظام سرمایه داری ادعانامه جنبش کارگری علیه سرمایه داران و دولت حامی آنها و بنیاد نهادن جهانی عاری از ظلم و ستم و استثمار انسان به دست انسان را اعلام کنیم.

تنها طبقه کارگر سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است ادعانامه خود علیه سرمایه داران را متحقق سازد. تنها طبقه کارگر سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی می تواند آزادی حقیقی را برای مردم به ارمغان بیاورد. تنها کارگران سازمان یافته و دارای رهبری سیاسی می توانند ملزومات سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و پیشروی انقلاب را تضمین نمایند.

بگذارید ابتکارات، ادعانامه و فراخوانهای ما علیه نظام سرمایه داری در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) هزاران مبارز جدید را به سوی سوسیالیسم رهایی بخش کارگران جلب کند و نیروی ما را در نبرد عظیم برای رهایی زحمتکشان و آزادی مردم ایران از شر فساد رژیم جمهوری اسلامی و از یوغ سرمایه افزون نماید.

حزب کمونیست ایران اول ماه مه این نماد همبستگی شورانگیز طبقاتی و انترناسیونالیستی را به همه کارگران تبریک می گوید و از تلاش دلسوزانه و خستگی ناپذیر سازماندهندگان اعتصابات و اعتراضات کارگری در سال دشواری که پشت سر نهادیم قدردانی می کند.

زنده باد اول ماه مه!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

فروردین ۱۴۰۰

آوریل ۲۰۲۱



دبگر نشان داد، این نظام سرمایه داری است که با تخریب محیط زیست و تضعیف زیر ساخت های بهداشتی و درمانی و به گرو گرفتن جان و سلامت انسان ها زمینه همه گیر شدن این ویروس مرگبار را فراهم آورده است. این نظام سرمایه داری و دولت های حامی آن هستند که از میان دفاع از سودآوری سرمایه و دفاع از نجات جان انسان ها، دفاع از سود سرمایه را در اولویت خود قرار داده اند. در این میان رژیم گندیده و کارگر ستیز جمهوری اسلامی در تحمیل این شرایط غیر انسانی گوی سبقت را از همه دولت های سرمایه داری جهان ربوده است.

اما طبقه کارگر ایران نه تنها به این شرایط غیر انسانی تمکین نکرده است، بلکه به دلیل گسترده بودن و انباشته شدن مطالبات و مستمر بودن اعتراضاتش در محور مبارزه برای تغییر وضع موجود قرار گرفته است. اعتصابات و اعتراضات شکوهمند کارگران نیشکر هفته تپه، صنایع نفت و پتروشیمی ها، راه آهن و تجمع های اعتراضی مستمر و سراسری بازنشستگان، معلمان و پرستاران فقط نمونه های بارز این جنبش اعتراضی و مطالباتی هستند. این اعتصابات صحنه های باشکوه بیکار طبقه کارگر هستند که هر روز شمار بیشتری از کارگران به آن می پیوندند. اعتصاب ها، قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند، به آن ها آموخته اند که تعرض به سطح معیشت خود را با اعتراض و اعتصاب پاسخ دهند، به آن ها نشان داده اند که کارگر سازمان یافته تا چه حد می تواند برای سرمایه هراس انگیز باشد. شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیر رویدادها در ایران به گونه ای است که بیداری گسترده تر توده های کارگر را اجتناب ناپذیر کرده است. در این شرایط باید برای متحد ساختن صفوف کارگران و آماده کردن آنان برای مبارزه به مراتب قاطعانه تری، نهایت تلاش خود را به کار بست.

برای پیشبرد این امر حیاتی ضروری است به جنبش جاری و مطالباتی کارگران متکی شد. چون طبقه کارگر به مانند یک نیروی اجتماعی در روند این جنبش و حرکت، برای غلبه بر ضعف های خود فرصت خلق می کند. کارگران در روند این مبارزات روزانه و رویارویی با کارفرما و دولت به آگاهی جمعی پیرامون موقعیت اجتماعی خود در مبارزه سیاسی دست می یابند، خود را به عنوان طبقه ای برای خود، متشکل می سازند و برای دفاع از منافع طبقاتی خود به پا می خیزند. اگر یکی از نقطه ضعف های جنبش طبقه کارگر فقدان تشکل های طبقاتی و توده ای و فقدان رهبری سراسری است، جنبش اعتصابی و اعتراضی کارگران بستری مناسب و مؤثرترین مکانیسم برای غلبه بر این نقطه ضعف ها می باشد. طی سال های اخیر در دل همین جنبش اعتصابی و اعتراضی کارگران، نسلی از فعالین و رهبران کارگری پرورده شده و پا به جلو گذاشته اند. این فعالین و رهبران نقش تعیین کننده ای در برپایی و سازماندهی اعتصابات و اعتراضات کارگری داشته اند. برپائی اعتصابات طولانی مدت و پی در پی نشان از آن دارد که طبقه کارگر در دل این جنبش اعتراضی در زمینه سازماندهی هم پیشرفت کرده است. کارگران در جریان همین اعتصابات و اعتراضات و رودرروئی با کارفرمایان و دولت در ابعاد توده ای به این واقعیت پی می برند که برای دستیابی به یک زندگی انسانی لازم است نه فقط از جمهوری اسلامی، بلکه از مناسبات سیاسی و طبقاتی حاکم نیز عبور کنند.

طی سال های اخیر طبقه کارگر بطور عینی و بیش از پیش از پیش اعتصابات و اعتراضات خود برای تحقق مطالباتش را به یک اهرم فشار سیاسی نیرومند علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرده و دائماً توازن قوا را

پاسخ به دو سؤال در مصاحبه با صلاح مازوجی در آستانه روز جهانی کارگر



جهان امروز: در آستانه روز جهانی هستیم و مروری بر جنبش کارگری در فاصله ماه مه سال گذشته و امسال ضروری است.

ما در این دوره شاهد روند رو به رشد اعتراضات و اعتصابات کارگری بوده ایم و در واقع می شود از یک جنبش وسیع مطالباتی سخن گفت و هیچ روزی نیست که ما شاهد اعتراضات کارگران در مراکز مختلف تولیدی و یا خدماتی نباشیم که طی آن کارگران مطالبات خود را مطرح می کنند، اما بعضا گفته می شود مطالبه از دولت سرمایه داری توهم به نظام سرمایه داری مذهبی ایران و خواستی رفرمیستی است. شما چگونه رابطه این جنبش های مطالباتی را با یک استراتژی سوسیالیستی توضیح می دهید؟

صلاح مازوجی: همانطور که بارها گفته ایم، از نظر کمونیست ها مبارزه روزمره و اقتصادی کارگران بخشی جدایی ناپذیری از موجودیت و مبارزه طبقه کارگر علیه کارفرمایان و سرمایه داران است. اعتراضات و اعتصابات های روزمره کارگران حول مطالبات اقتصادی و رفاهی و یا برای مقابله با تعرض سرمایه داران به کار و معیشت کارگران، مبارزه ای است برای جلوگیری از وخیم تر شدن زندگی کارگران و برای بهبود شرایط فروش و افزایش بهای نیروی کار انجام می پذیرد. این مبارزات به رغم افت و خیزهایی که دارد تا زمانی که نظام سرمایه داری پا برجاست جریان خواهد داشت. مبارزه اقتصادی کارگران عرصه مهمی از ستیز و کشمکش طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری است. اینکه این مبارزه در چهارچوب مناسبات سرمایه داری انجام می گیرد به معنای آن نیست که کارگران در مبارزه برای ایجاد رفعم و بهبود زندگی خودشان به رفرمیسم در غلبیده اند یا دقیق تر بگویم مبارزه کارگران برای بهبود

شرایط کار و معیشت را نباید با افتادن در دام استراتژی رفرمیستی اشتباهی گرفت. در مورد توهم به رژیم حاکم هم باید گفت، همینکه تشکل های ضد کارگری و زرد دولتی مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی و انجمن های اسلامی که اصلاح طلبان حکومتی در آنها لانه کرده اند مدتهاست قادر نیستند اعتراضات و مبارزات کارگری را در چهار چوب قوانین ارتجاع اسلامی به کنترل در بیاورند و به بند بکشند، خود نشانه بارز این واقعیت است که اکثریت کارگران با درس گرفتن از تجربه مبارزاتی خود از این نهادها و تشکل ها و از استراتژی اصلاح طلبان حکومتی برای اصلاح رژیم عبور کرده اند و توهمی به رژیم سرمایه اسلامی ندارند.

بنابراین نباید با این نوع توجیحات اهمیت حیاتی مبارزه اقتصادی و جنبش مطالباتی جاری کارگران را دست کم گرفت. چون ما کمونیست ها در همانحال که برای انقلاب اجتماعی، برای یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی مبارزه می کنیم، می خواهیم در هر شرایطی و بویژه در این شرایط فلاکتبار اقتصادی هم به حال طبقه کارگر مفید باشیم، حتی در شرایطی هم که انقلابی در چشم انداز نیست باید تلاش

کرد که نانی به سفره کارگران اضافه شود و بهبودی در زندگی آنها ایجاد کرد و این نه تنها هیچ مغایرتی با مبارزه برای انقلاب اجتماعی و سوسیالیسم ندارد، بلکه دقیقا در راستای آن قرار دارد. از این رو فعالین کمونیست ضروری است که نه فقط در مبارزات اقتصادی و جاری کارگران فعالانه شرکت کنند، بلکه لازم است برای سازماندهی، هدایت و به پیروزی رساندن مبارزات اقتصادی کارگران از هیچ تلاشی دریغ نوزند. خوشبختانه کمونیست ها و فعالین سوسیالیست جنبش کارگری در همین راستا عمل کرده اند. پیروزی کارگران در هر مبارزه ولو با خواسته های محدود اقتصادی، آنان را در موقعیت به مراتب مناسب تری برای تداوم مبارزه قرار می دهد. بنابراین اهمیت اقتصادی این مبارزات بر کسی پوشیده نیست. این جنبش مطالباتی سنگر بندی محکم طبقه کارگر در مقابل تعرض افسار گسیخته کارفرمایان، صاحبان صنایع و رژیم سرمایه اسلامی است.

اما اهمیت مبارزات اقتصادی کارگران تنها

که می توانند برای پیشبرد مبارزات خود به آن اتکا کنند.

با تمام آنچه در مورد جایگاه و نقش جنبش جاری کارگران در ارتقای آگاهی طبقاتی گفتیم، نباید تصور کرد که شکل گیری آگاهی طبقه ی کارگر خود به خود با توسعه ی جنبش کارگری تضمین می گردد، اما در شرایط کنونی همزمانی روند رو به رشد جنبش کارگری و پا به جلو گذاشتن نسلی از فعالین و پیشروان سوسیالیست و نقش آگاهگری و سازمانگرانه ی آنها تا حدود زیادی ملزومات دستیابی کارگران به آگاهی طبقاتی را فراهم آورده است. در این میان اگر رفرمیست ها در مبارزه برای رفرم این آگاهی دروغین را به میان کارگران می برند که در نتیجه اصلاحات تدریجی، در نتیجه انباشته شدن اصلاحات ماهیت سرمایه داری عوض می شود. در عوض سوسیالیست ها همیشه شناخت از ماهیت نظام سرمایه داری و قانونمندی های آن و اجتناب ناپذیری بحران سرمایه داری را به کارگران می آموزند. به کارگران می آموزند که وقتی سرمایه داری دچار بحران شد، تمام دستاوردهای مبارزاتی کارگران را بازپس می گیرد و از اینرو ضرورت مبارزه برای فرارفتن از سرمایه داری و انقلاب اجتماعی را به کارگران خاطر نشان می کند. در واقع فعالین سوسیالیست جنبش کارگری مبارزه برای دستیابی به مطالبات اقتصادی را با تبلیغ مداوم و منظم مبارزه ی ضد سرمایه داری تلفیق می کنند. آنها به توده ها می آموزند که همه مصائب و فقر و بی حقوقی کارگران ریشه در مناسبات سرمایه داری دارد و بر ضرورت سرنگونی انقلابی این مناسبات تأکید می کنند. فعالین کمونیست درون جنبش کارگری در جریان این مبارزه بر ضرورت ایجاد تشکل های توده ای و طبقاتی مستقل از دولت کارگران تأکید می کنند. آگاهی به ضرورت تحزب یابی کمونیستی را به میان توده های هر چه بیشتری از کارگران می برند. در یک کلام کمونیست با حضور فعال خود در جنبش مطالباتی کارگران افق سوسیالیستی را از یاد نمی برند و اتفاقاً یکی از وظایف و اولویت های ما در این دوره این است که در حین حضور فعال در این جنبش مطالباتی و پاسخگویی به نیازهای عملی آن باید همواره افق روشنی را پیش پای این جنبش قرار دهیم، و این افق چیزی جز سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و سوسیالیسم و حکومت شورائی کارگران نیست.

اهمیت سیاسی این اعتراضات هم بر کسی پوشیده نیست. از آنجا که در مبارزه طبقه کارگر، جنبش اقتصادی و کنش سیاسی این طبقه پیوندی ناگسستنی دارند، اعتراضات و اعتصابات کارگران طی سال های اخیر کل

فضای سیاسی جامعه تحت تأثیر قرار داده است. طبقه کارگر بطور عینی و بیش از پیش مبارزات خود برای تحقق مطالباتش را به یک اهرم فشار سیاسی نیرومند علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرده و دائماً توازن قوا را به نفع جنبش های اعتراضی و به زیان رژیم تغییر داده است. طبقه کارگر از همین مسیر بطور عینی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را به جلو سوق داده و آن را به نفع قطب چپ جامعه تقویت کرده است. به طوریکه بدون رشد جنبش اعتصابی کارگران در سالهای اخیر و تأثیرات ذهنی آن بر فضای جامعه برپائی خیزش هایی از نوع خیزش سراسری دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ که تهیدستان شهری موتور حرکت آنها بودند غیر قابل تصور بود. همین اهمیت اقتصادی، طبقاتی و سیاسی این اعتراضات و اعتصابات کارگری به مانند پلی می ماند که اعتراضات جاری را به استراتژی سوسیالیستی پیوند می زند.

جهان امروز: همانطور که می دانید راست ترین بخش اپوزیسیون بورژوازی ایران در رویکرد سیاسی خود با به راه انداختن کمپین "نه به جمهوری اسلامی به گزینه "همه با همی"، روی آورده اند گزینه ای که در بهترین حالت سر مردم محروم و تهیدست جامعه بی کلاه می گذارد. در این حالت گزینه چپ و سوسیالیستی در چه موقعیتی بسر می برد و نقاط قوت و ضعف آن در این شرایط کدام است و از چه راه هایی این گزینه می تواند قدرت مندتر قرار گیرد؟

صلاح مازوجی: آنچه روشن است هم کمپین "نه به جمهوری اسلامی" که ابتکار آن در دست بخش راست اپوزیسیون بورژوازی ایران است و هم جمهوری خواه شدن رضا پهلوی که این روزها ادعا می کند جمهوری را بر نظام سلطنتی ترجیح می دهد و نظام موروثی را دموکراتیک نمی داند، اینها همه ریشه در تحولات سیاسی جامعه ایران در چندین سال گذشته دارد. روند رشد اعتصابات و اعتراضات کارگری و جنبش های اعتراضی در جامعه بویژه خیزش سراسری دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ همان طور که استراتژی اصلاح طلبان حکومتی برای اصلاح رژیم را به شکست کشاند و گفتمان گذار انقلابی از

جمهوری اسلامی را تقویت کرد، استراتژی بازگشت به تاج و تخت و سلطنت را هم با بن بست روبرو کرده است.

قبل از این تحولات هم نیروهای چپ و رادیکال بارها اعلام کرده بودند نظام سلطنتی که با منطق یک قیام توده ای در سال ۵۷ از صحنه سیاسی ایران جaro شده است، امکان بازگشت به سلطنت را ندارد، اما زمان لازم بود که سلطنت طلبان و شاهزاده هم این واقعیات را بپذیرند.

سلطنت طلبان روی فقر و فلاکت و محرومیت های بی امانی که جمهوری اسلامی به اکثریت مردم ایران تحمیل کرده و جنایاتی که این رژیم انجام داده و اینکه طی بیش از چهار دهه گذشته جامعه ایران را در تمام زمینه های اجتماعی به قهقرا برده حساب باز کرده بودند. فکر می کردند که توده های مردم از فرط نفرت از جمهوری اسلامی به گذشته پناه می برند و سلطنت طلبان را به یاری می طلبند.

این حساب ها همه غلط از آب درآمدند. کارگران در جریان اعتراضات خود نان، کار، آزادی و بدیل اداره شورایی را مطرح کردند. معلمان، بازنشستگان، زنان در دل اعتراضات علیه رژیم اسلامی، عناصری از بدیل حکومتی که می خواهند سر کار بیآورند را مطرح کرده اند. حکومتی را می خواهند که در آن آزادی های سیاسی باشد و دگر اندیشان در زندان نباشند، معلمان حکومتی را می خواهند که تحصیل رایگان را تأمین کند، بازنشستگان بهداشت و درمان رایگان را مطرح کردند. با همه اینها این را نباید فراموش کرد که اگر سلطنت طلبان از استراتژی بازگشت به سلطنت عقب نشسته اند، یا کمتر بر آن پافشاری می کنند، ما بر سر دو رکن استراتژی اپوزیسیون بورژوازی ایران برای نجات سرمایه داری ایران از خطر انقلاب توافق نظر دارند. بی دلیل نیست سلطنت طلبان که کمپین "نه به جمهوری اسلامی" را به راه انداخته اند، اما از چگونگی مقابله و به زیر کشیدن قهر جمهوری اسلامی سخنی به میان نمی آورند. اینها از انقلاب و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی بیش از ماندگاری جمهوری اسلامی هراس دارند. سلطنت طلبان خواهان دست به دست شدن قدرت از بالا و بدون دخالت پایینی ها هستند. آنها خواهان حفظ کل دستگاه سرکوب ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای مسلح و زندانها و بوروکراسی عریض و طویل اداری و در یک کلام خواهان حفظ کل ماشین دولتی مافوق مردم هستند. همین جهت گیری های راهبردی است که آنها را به طیف جمهوری خواهان نزدیک کرده

است، همین باعث شده که جمهوری



خواهان از جمهوری خواه شدن رضا پهلوی خرسند باشند. یک رکن دیگر استراتژی این بخش از اپوزیسیون بورژوازی، پناه بردن به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و تأکید بر حفظ تمامیت ارضی ایران است که این هم از مشترکات بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران است.

در میدان نبرد با جمهوری اسلامی و در تقابل با راه حل های نیروهای اپوزیسیون بورژوازی، ما شاهد یک جریان اجتماعی نیرومند چپ و رادیکال و سوسیالیستی در ایران هستیم که حتی دشمن هم نمی تواند موجودیت آن را انکار نماید. فعالین و رهبران جنبش کارگری که در سازماندهی و رهبری اعتراضات و اعتصابات کارگری نقش ایفا می کنند، تلاشگران جنبش زنان که در برابر فمینیسم ارتجاع اسلامی و فمینیسم لیبرال پرچم رهائی زنان با افق ضد سرمایه داری را بر افراشته اند بخشی از این نیروی اجتماعی عظیم هستند. این نیروی اجتماعی چپ و رادیکال در هر اعتراض و خیزش توده ای حضور فعال داشته و مهر خود را بر آن کوبیده است. اما این جریان به رغم نیروی اجتماعی عظیمی که دارد به لحاظ سازمانی انسجام ندارد و فاقد یک رهبری سیاسی سراسری است.

یکی از نقطه قوت های این نیروی رادیکال و سوسیالیست اجتماعی آن است که هویت مبارزاتی و سیاسی آن با خواسته ها و مطالباتی که کارگران، زنان، دانشجویان و مردم حاشیه شهرها در جریان اعتراضات خود مطرح می کنند عجین شده است. از دیگر نقطه قوت های این نیروی رادیکال اجتماعی تکیه کردن آن به جنبش طبقه کارگر است که یکی از پر تحرک ترین دوران حیات خود را می گذراند. جنبش اعتراضی کارگران بستری مناسب برای غلبه بر ضعف ها طبقه کارگر می باشد. طی سال های اخیر در دل همین جنبش اعتصابی و اعتراضی کارگران بوده که نسلی از فعالین و رهبران کارگری پرورده شده و پا به جلو گذاشته اند. این فعالین و رهبران نقش تعیین کننده ای در برپایی و سازماندهی اعتصابات و اعتراضات کارگری داشته اند. برپایی اعتصابات طولانی

تجربه قیام توده ای سال ۵۷ به وضوح نشان داد. امروزه با توجه به وجود شبکه به هم مرتبط فعالین و پیشروان کارگری و با توجه به نقشی که گستردگی شبکه های اجتماعی در امر ارتباطات پیدا کرده اند در مقایسه به مقطع قیام بهمن با سهولت بیشتری انجام خواهد گرفت.

در چنین شرایطی احزاب، سازمان ها و نیروهای جنبش کمونیستی ایران لازم است بر متن تلاش برای دامن زدن به جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران در راستای مبارزه برای تأمین رهبری طبقه کارگر بر اعتراضات جاری به هر میزانی که می توانند فضای سیاسی و فکری جامعه را تحت تأثیر راهکارهای سوسیالیستی قرار دهند. تکامل جنبش اعتراضی کارگران و تلاقی و به هم رسیدن آن با پروسه ای که در آن احزاب و سازمانهای کمونیست هم توانسته باشند در پاسخ گویی به معضلات جامعه بر فضای سیاسی و فکری جامعه تأثیر گذاشته و نگاه جامعه و توجه فعالین و رهبران کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را به راهکارهای سوسیالیستی جلب کرده باشند می تواند دورنما و افق روشنی را پیش روی جامعه ایران قرار دهد.

مدت و پی در پی نشان از آن دارد که طبقه کارگر در دل این جنبش اعتراضی در زمینه سازماندهی هم پیشرفت کرده است، هر چند در این زمینه هنوز بسیار ضعیف است. کارگران در جریان همین اعتصابات و اعتراضات و رودرروئی با کارفرمایان و دولت در ابعاد توده ای به این واقعیت پی می برند که برای دستیابی بک یک زندگی انسانی باید از مناسبات سیاسی و طبقاتی حاکم عبور کنند.

فقدان واقعی سازمانها و تشکل های توده ای و طبقاتی علنی و مستقل از دولت کارگران، مثل اتحادیه ها، کمیته های کارخانه، شوراهای کمیته های اعتصاب و احزاب سیاسی توده ای و غیره، باعث شده است که سطح سازماندهی طبقه کارگر پایین تر از پتانسیل واقعی آن باشد. بدون شک هزینه سنگین کار و فعالیت سازمان یافته و سرکوب سیستماتیک عامل اصلی ضعف سازمانیابی طبقه کارگر است. در این تردید نیست که با اعتلای جنبش کارگری و زمین گیر شدن ماشین سرکوب و ایجاد گشایش سیاسی در مدت زمان کوتاهی تشکل ها و نهادهای طبقاتی و سیاسی کارگران با سرعت شکل می گیرند. این واقعیت را

کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های

حزب کمونیست ایران و

کومه له دیدن کنید!

محمود قهرمانی

جنبش کارگری در آستانه اول ماه مه! فرصت‌ها و چالش‌های فرارو!



دادن کار، سرکوب‌های وحشیانه تجمعات و دستگیری‌ها، شکنجه و زندان و ترور فعالین و رهبران کارگری توانستند سر پا بمانند. با هر دید و نقدی که به این تشکل‌ها داشته باشیم، ذره‌ای از این حقیقت کم نمی‌شود که فعالیت‌ها و اقدامات همین سازمان‌های مستقل کارگری تأثیرات بزرگی در فضای سیاسی کل جامعه بجا گذاشت و توانست باورهای «غیر ممکن بودن متشکل شدن و رعب» را بشکند. با ادامه مبارزات کارگری در سالهای اولیه دهه ۹۰ و با شورش تهیدستان در سال ۹۶ هیولای ترس شکسته و تغییردر تناسب قوای جامعه رگم خورد.

در آن پلمیک‌ها و مباحث چند فاکتور مهم به توافق عمومی پیشروان و بعدها مجامع عمومی کارگری تبدیل گردید، از آن جمله استقلال تشکل‌های کارگری، اساسنامه و عضویت در تشکل‌ها، اتخاذ تصمیمات هرتشکلی با رای عموم و در مجمع عمومی کارگران و... بدلیل دستگیری‌ها، مبارزات کارگری گسترده و نیاز به جوابگوئی به مسایل فراروی اعتراضات و اعتصابات روزمره، موضوعات و مسایل دیگری حتی مربوط به همین مباحث، یا اصلاً طرح نگردید و یا ناقص ماند. از جمله محدودیت‌های کارقانونی، تاکتیک‌های مبارزه و تشکل‌های جانبی، صندوق اعتصاب، رابطه با جنبش‌های دیگر و... هرچند پراکنده مقالاتی نوشته شد و گاه گفتگوهای در مسایل متعدد انجام گردید، اما نه کافی بود و نه مقبولیت عمومی یافت.

در مورد استقلال، تشکل کارگری مستقل از دولت و کارفرما و نهادهای وابسته به حکومت از جمله شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و همچنین نهاد دولتی آمریکائی سولیداریتی ستر و احزاب حکومتی، مباحث تا حدودی جا افتاد، اما موضوع ارتباط و نه وابستگی این تشکل‌ها با احزاب چپ که بهر حال خود را بخشی و یا متعلق به طبقه کارگر می‌دانند، مباحث چندان روشن نگردید. در حالیکه با وجود یک گرایش کمونیستی، دخالتگر و خوشنام در این جنبش، موضوع حساسیت بیشتری ←

کس دستش به کلاه خود را تا اعماق جامعه رسوخ داده‌اند. در حالیکه قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری جهت حفظ نظام سرمایه‌داری ایران، از گزند همان شورشی که خواب را از چشمان همه دستگاه حاکمه ایران ربوده و روحانی به صراحت بیان داشت، تلاش می‌کنند و بارها ترامپ اعلام کرد که: «فشار حداکثری و تحریم‌های ما برای ساقط کردن حکومت ایران نیست، ما تغییر حکومت نمی‌خواهیم، ما می‌توانیم با همین حکومت هم بسازیم».

در آستانه اول مه و در چنین اوضاعی جنبش کارگری این ستون استوار همه جنبش‌های اجتماعی، برابری و آزادیخواهی با پافشاری دلیرانه روی مطالباتش، و با اعتصابات و اعتراضات سرسختانه خود همچنان پرچمدار و پیشقراول مبارزات اجتماعی، امید به آینده و تغییرات انقلابی را زنده نگاه داشته‌است. در عین حال نمی‌توان نادیده گرفت که این جنبش علاوه بر اختناق، سرکوب و دیکتاتوری که مهمترین مانع در همه عرصه‌های مبارزات طبقه کارگر است، درگیر مجموعه‌ای از مسایل، چالش‌ها و موانع کوچک و بزرگ دیگر در سر راه خود می‌باشد، که در کلی‌ترین سطح می‌توان آنها را به مسائل و موضوعات درونی و اهداف و سیاست‌های حاکمیت دسته‌بندی کرد.

جنبش کارگری از درون

در اوایل دهه ۸۰ شمسی حول بحث تشکل‌های توده‌ای طبقه کارگر و موانع سر راه ایجاد این تشکل‌ها پلمیکی طولانی، صمیمانه و راه‌گشا میان فعالین کارگری دخیل و مؤثر در جنبش اعتراضی، دلسوزان و دوستداران طبقه کارگر و نیروهای چپ طرح شد و اشتیاق و شور و شوق گسترده‌ای پدیدار گردید که منجر به ایجاد، تشکلهائی از قبیل کمیته‌های هماهنگی و پیگیری و تعدادی جمع و محفل و بعضی اقدامات جانبی دیگر گردید. بیشتر سندی‌کای واحد بازگشائی شده و بعدها سندی‌کای نیشکر هفت تپه هم بازگشائی گردید. همه این تشکل‌ها با رنج و هزینه‌های سنگین، از دست

در آستانه اول مه روز اتحاد جهانی طبقه کارگر قرار گرفته‌ایم، امسال نیز با کشتار اپیدمی کرونا با شدت بیشتری روبرو هستیم. حکومت سرمایه‌به گفته روحانی از ترس شورش میلیون‌ها گرسنه در خیابان‌های کشور مانع از تعطیلی مراکز تجمع و کسب و کار گردیدند، مراسم‌های مذهبی عاشورا و زیارتگاه‌های قم و مشهد خود به مراکز شیوع کرونا تبدیل شدند، به بهانه تحریم‌ها و با ایجاد توهمات ارتجاعی و ضدعلمی مانع از تهیه واکسن جهت واکسینه کردن مردم گردیدند و .. در این میان آنان که صدمات جانی از دست دادن عزیزانشان، تبعات بیکاری، مالی، اجتماعی، روانی و بهای عدم مقابله با کرونا را پرداخته و می‌پردازند توده وسیع مردم کارگر شاغل و بیکار، حاشیه‌نشین و تهیدستان جامعه هستند.

همراه با این فاجعه بزرگ انسانی، میلیون‌ها بیکار، گرانی افسارگسیخته، کاهش ارزش پول، بحران اقتصاد از هم پاشیده مزید بر علت گردیده و رژیم به جای هزینه کردن برای مقابله با فاجعه کرونا، کمک به صندوق‌های بازنشستگی، بیمه‌های کارگری و عمومی و... تمامی ثروت‌های جامعه را که با رنج و مرارت همین مردم کارگر و تهیدست فراهم گردیده، خرج تقویت نیروهای سرکوبگرش و پروژه‌های مشکوک اتمی و تقویت ارتجاع منطقه‌هزینه می‌کند.

به لحاظ سیاسی، سرکوب و وحشیانه، زندان و شکنجه و سانسور و هر اعتراض و نارضایتی را با دستگیری و احکام سنگین و اعدام به بهانه اقدام علیه امنیت ملی، توهین به رهبری جواب می‌دهند و... نبود روزنامه و نشر آزاد، تعقیب و آزار اقلیت‌های مذهبی، ملیتی و هنرمندان، زنان، دانشجویان و فعالین کارگری و صنفی، زیست محیطی با خشن‌ترین اختناق و سرکوب روبرویند.

از منظر فرهنگی، فعالیت همه رشته‌های هنری مستقل و خارج از دار و دسته‌های حکومتی زیر بار سانسور و پیگرد‌های امنیتی بعضاً خاموش و بقیه نیمه‌جان گردیده‌اند. با گسترش آگاهانه ریشه و فساد، فریب و دروغ و فرد گرایی و هر

بر بهمین منوال یعنی انقباض دستمزد بوده و فقط هم شامل تعیین حداقل دستمزد نمی شود. در همین ۱۶ سال گذشته کدام روز بوده که اعتراض علیه حقوق های معوقه نداشته باشیم. در شرایطی که دولت در اثر بالا رفتن قیمت نفت درآمدهای عظیمی داشته و مشکل تحریم هم نبوده مبارزات گسترده ای برای دریافت حقوق های معوقه داشته ایم.

این یعنی سیاست پائین نگهداشتن دستمزد و تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی کار اگر نه مفت ولی بسیار ارزان، این را میتوان در سیاست تقدم واردات و تجارت هم دید. همین سیاست را در مورد بیمه ها و صندوق های بازنشستگی بروشنی می توان دید. در دوره احمدی نژاد که بالاترین قیمت نفت و درآمد های دولتی را داشته اند، مگر سازمان تامین اجتماعی را غارت نکردند؟ مگر در همان دوره بدهی دولت به تامین اجتماعی به ۲۴۰ هزار میلیارد تومان نرسید؟ و امروز بالای ۱۰۰۰ میلیارد تومان است. این داده ها چی می گویند؟ بیمه و بازنشستگی بخشی از دستمزد کارگر است، این سیاست پائین نگهداشتن دستمزد است، سیاست تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی کار بسیار ارزان.

تحقیق، بررسی و پلمیک عاجل بر سر همه سیاست های حکومت و بیرون کشیدن سیاست کارگری و مبارزه پیگیر، متحد و سازمان یافته علیه این بختک و توحش سرمایه دارانه است که می تواند، دستمزد مکفی و تشکل توده ای و بازنشستگی را تامین و کل جنبش اجتماعی را به حرکت در می آورد. تدارک اول ماه مه و گرامی داشت روز کارگر فرصتی برای بررسی و برجسته کردن توان و فرصت ها و یافتن راهی برای فائق آمدن بر چالش هاست.

پیروز باد روز جهانی کارگر!

۱۲ آپریل ۲۰۲۱



انکار کارگر و نادیده گرفتن حقوق کارگر بنا نهاد. قانون کار تا امروز چندین بار دستخوش تغییر گردیده، تنها چند ماده و تبصره مفید دارد که آنهم برای داشتن کنترل بر کارگر و روابط کار است. از این روی انکا و دخیل بستن به قانون کار جز توهم چیزی بیش نیست. در این قانون ضد کارگری اعتصاب و تجمع کارگری پذیرفته نمی شود، قانون را سیاست و مصلحت حکومت و دستگاه های امنیتی تعیین میکنند، بنابراین نه دستمزد قانون مند است، نه قرار داد کار. بر اساس این سیاست کارفرما و حکومت "حق دارند" و اعتصاب و تجمع کارگری یعنی تجمع و توطئه علیه امنیت ملی است و این را در همه احکام علیه هر کارگر معترض نوشته و می نویسند. به عنوان مثال این احکام را برای محمود صالحی، رضا شهابی و زنده یاد شاهرخ زمانی و دهها کارگرنزدانی و جان باخته نوشتند.

در این قانون کار تشکل مستقل کارگری قابل تحمل و مجاز نیست. عبارت دیگر این قانون ضد کارگری نه مرجع است و نه اعتبار دارد، اصل سیاست حکومت است. از همان ابتدای حکومت جمهوری اسلامی تا امروز همینگونه بوده است.

قرارداد کار یعنی آنگونه که کارفرما می خواهد، شفاهی، پیمانی، موقت، پاره وقت، سفید امضا، یعنی که هر وقت کارفرما خواست کارگر را اخراج کند و هیچگونه تعهد و مسؤلیتی هم ندارد.

تعیین دستمزد که در درگاه سه جانبه گرائی نوع جمهوری اسلامی یعنی دو کارفرما و یک نفر از اعضای شورای اسلامی کار و به انتخاب کارفرمای اصلی. در واقع حتی اگر این فرد هم از خودش نباشد تغییری در نتیجه ایجاد نمی کند، یعنی که تصمیم بر سر میزان حداقل دستمزد را کارفرمای بزرگ یعنی دولت می گیرد. اینها را همه کس می داند. با این وجود عبارت دیگر در جمهوری اسلامی قرارداد کار و تعیین حداقل دستمزد را مصالح و سیاست حکومت تعیین می کند. در طی حداقل ۱۶ سال گذشته وضع

داشته و پرداختن به این موضوع را ضروری می کند.

در مورد رابطه با جنبش های دیگر همچون جنبش دانشجویی و دخالت نهاد های

مثل شوراهای اسلامی کار، در مبارزات و امور تشکل کارگری، تجربه هایی که بخصوص سال گذشته در اعتصاب طولانی و ایستادگی کارگران هفت تپه رخ داد لازم است که بررسی و تحلیل گردند. عدم یک بررسی عمیق و بحال خود گذاشتن این مهم، به این امید که در روند مبارزه، با اراده جمعی و مستقلانه تصمیم مناسب گرفته خواهد شد، تا آنجا که به درایت و اعتماد به رهبران کارگری مربوط میشود قابل ستایش است، اما بدون اطلاعات، آگاهی و نقشه، اراده جمعی کافی نیست، عمل مستقلانه نیاز به تحلیل و بررسی و نقشه و پشتیبانی وسیع تر دارد، درگیر این صورت چاره اندیشی در گرماگرم اعتصاب، تحصن یا راهپیمائی در خیابان های شهر عکس العملی فکر نشده و ناقص است.

این نوع اندیشیدن تنها مقابله با عملی معین و بی اثر کردن یک حرکت ضد کارگری است، که جنبش کارگران را از فهم اهداف و نتایج منفی آتی آن محروم می کند، بهمین جهت بررسی و تحلیل آن ضروری است. موضوع مربوط است به دخالت با هدف کنترل و به کج راه بردن مبارزه کارگران هفت تپه توسط خانه کارگر و بسیج دانشجویی تحت نام دانشجویان عدالتخواه که توسط عوامل ستاد "امر به معروف و نهی از منکر" سازمان داده شده بود. همین نوع دخالت در مبارزات کارگران فولاد اهواز هم دیده شد. از دیگر موارد این نوع دخالت در مورد داخلی سندیکا را سندیکای کارگران هفت تپه در تاریخ ۱۱ خرداد ۹۹ طی نامه ای سرگشاده در رابطه با پیام کنفدراسیون ای. یو. اف به مناسبت شرکت دادن فریدون نیکوفرد بعنوان نماینده کارگران و سندیکا، در دادگاه رسیدگی به فساد مالی امید اسد بیگی کارفرمای هفت تپه، افشا نمود. (در حالیکه فریدون نیکوفرد عضو سندیکای کارگران هفت تپه نیست و هیچگونه مشارکتی هم در اعتراضات کارگران برای خلع ید از امید اسد بیگی نداشته است).

اهداف و سیاست های رژیم در رابطه با جنبش کارگری

از همان اولین قانون ضد کارگری جمهوری اسلامی دست پخت توکلی که کارگر را کاربر نامید و خمینی هم گفت: "همه کارگرند، خدا هم کارگر است"، قانون کار هدفش را



عباس منصوران

اعلام کیفرخواست علیه حکومت مذهبی سرمایه در اول ماه مه



چوبه های دار و پرتاب کودکان کار و زنان کار به خیابان ها و کوچه های مرگ. رواج هروئین و انواع روانگردان ها و مواد مرگ آور در سراسر جامعه برای زمینگیر ساختن هر اراده ای برای خیزش و اعتراض های انفجاری امروز و فردا.

قتل عام یک جامعه با ویروس تاجدار

خیزش های سرنگونی، توفنده در راه بودند که پاندمی کرونا جان پناه حکومت شد و موهبتی الهی، تا خیزش سراسری ناتمام دی و آبان بر حکومت شان آوار نشود. حسن روحانی گفت «براساس آنچه در قرآن مجید آمده، در زندگی روزگاری برای امتحان روشن و آشکار وجود دارد... بدون شک دوران ۸ سال جنگ تحمیلی، دوران جنگ اقتصادی و نیز موضوع کرونا از جمله آزمایش های بزرگ برای ملت ایران بود.»

به این گونه با آیه هایی از قرآن، ایمنی دستجمعی - گله ای، راه کاری گرفته شد برای مهار خیزش و خشم خروشان سراسری. به زبان علمی در یک جامعه متعارف، بیش از ۷۵ درصد افراد جامعه یعنی نزدیک به ۶۵ میلیون تن باید واکسینه می شدند تا ایمنی جمعی حاصل می شد. حکومت مذهبی سرمایه، نزدیک به دو ماه «طلایی» سال ۱۳۸۸ وجود پاندمی را انکار کرد، مراسم مذهبی و برگذاری بهمن و سینه زنی و سفرها را مجاز شمرد و تشویق کرد و فاجعه از همان دی ماه ۹۸ آغاز شده بود. بیمارستان ها و داروها و مراقبت های درمانی و پزشکی طبقاتی در خدمت طبقه و باندهای حاکم بودند. با به دخمه نشاندن رهبر و واکسینه کردن و در امان نگه داشتن رهبران باندها، با واکسن های مطمئن، بیش از ۸۰ میلیون تن به هجوم مرگ و ویروس ها رانده شدند تا ستمبران، روزانه هزار هزار از پای درآیند و یا اگر جان به در برند، مدت ها توان برخاستن نداشته باشند. قرنطینه و موازین ساده و جهانی پیشگیری را به سُخره گرفتند و وزیر «بهداشت» که خود یک دلال دارو

را با خون ستمبران افطار کنند. - چهل و دو سال مرگ آفرینی، شعله ورساختن جنگ ۸ سال به هزینه ویرانی ایران و عراق، کودتای فرهنگی با به خاک و خون کشاندن دانشگاه ها در سال ۵۹، حمله به کردستان و کشتار هزاران نفر و برقراری حکومت نظامی از نوروز ۵۷ تا به امروز، به ویرانه تبدیل کردن بلوچستان و خوزستان و ترکمن صحرا و وو. قتل عام افزون بر یک صد هزار تن از مخالفین سیاسی در دهه ی شصت، قتل عام افزون بر پنج هزار تن از زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ تا هرگونه مقاومت و امید خیزش دوباره درهم شکسته شود. ربایش دسترنج تولید کنندگان ارزش و هستی جامعه برای دستیابی به سلاح هسته ای و انرژی اتمی و ریختن به حلقوم مافیای حاکم در روسیه و رهبران بورژوازی حاکم و آدمخوار در چین و جنایتکاران همدست خویش، نمونه رهبران کره شمالی و صاحبان تکنولوژی سرمایه داری کشورهای متروپل. به خاک خون کشاندن سوریه و عراق و یمن و فلسطین و آواره سازی افزون بر بیست میلیون انسان و ویرانی و جنگ نیابتی و کشتار صدها هزار تن در خاورمیانه. به ویرانی و ورشکستگی کشاندن و اشغال لبنان، همدستی با طالبان و دیگر گروه های تروریستی برای بی ثباتی و ویرانی افغانستان، افزون بر چهل سال تحریم نان، آب، دارو، لبخند، شادی و حداقل زندگی برای حکومت شوندگان، فتوای پاشیدن اسید بر سر و سینه ی زنان، سرکوب زنان و زنان کار و زیر استثمار و ستم مضاعف، سرکوب و شکنجه و مرگ دستجمعی کارگران و زحمتکشان تهی دست در سراسر ایران. آواره سازی میلیون ها جوان و کارگرمهاجر و زنان ناامید به فردا به هر جا به امید آنکه پناهی جویند در بی پناهی در هر جهنم کده. حراج آب، دریاچه، دریا، زمین، کوه، جنگل و رود و استثمار طبیعت و انسان برای بقا انگلی زامبی های حاکم، به بهای تشنگی و بی نانی و قطعی و مرگ مردمان. گسترش حاشیه نشینی، گورخوابی و کارتن خوابی افزون بر ۲۵ میلیونی، گسترش گورستانها، زندان ها، میدانهای تیرو برافراشتن

حکومت باندها، همچنان جنایت می باراند. دستگاه فرمانروایی سرمایه داری حاکم، با سلاح تروریسم دولتی، افزون بر ۴۰ سال مداوم بر سر و روی جامعه، یکریز سَم مرگ می پاشاند. ارابه های مرگ، در واپسین جولان های مرگبار خویش، همچنان دروگر جان های عزیزانمان هستند. جهان به نظاره ایستاده است، آنگاه که خود به نظاره ایستاده ایم. و ما همچنان شمار جانباخته گانمان را شماره می کنیم. مقاومت پاسیو، جز پاسیویسم و دل افسردگی نمی آورد. با دستهای خالی، فریاد می زنیم، جدا جدا و پراکنده فریاد می زنیم: «ما دیگه رای نمی دیم، از بس دروغ شنیدیم!» با چاشنی الله اکبر و گاهی عکس نرفتار رهبر اسلام، دردی را درمان نمی بخشد. روزان و شبان فریاد زنان سپری می شوند با پیشتازی زنان فریاد، در خیابان ها که با دستان تهی از سلاح، در برابر سلاح آدمکشان تهی از هرگونه خوی زندگی که سینه سپر ساخته اند. تراژدی حاکم، فریاد سرزنش به جهانی است تهی از ارزش های انسانی و اشباع از خود بیگانه گی.

کیفر خواست انقلاب:

خیانت به یک قیام مردمی سرنگونی طلب بی آلترناتیو، با سلاح مذهب. نشانیدن حکومت لمپن ها و بی مخ ها و حکومت اوباشان و لباس شخصی ها و آدمکشانی که به بهای خون، نان و ساندیس می ستانند بر گرده ی جامعه. و در آنسوی مرز، جارچیان، شرکا و وابستگان دو تابعیتی و خارج اشان در پیرامون خیمه های رهبری که حقیرانه و خوار، پادوهای جنایات و توجیه کنندگان کشتارهایند. این تروریسم خبری و تبلیغی و توجیهی در رسانه های رانت بران از رانت خواران حاکم در صدهای وقاحت انگلو - آمریکا که به کارشناسی می نشینند و روزهای رای به سفارت ها می روند تا بهنودانه، نگهدار بخش فارسی تربیون ها باشند و با انگشتان جوهری و آراء خویش، کشتارها را پشتیبانی کنند و سر و سینه زنان در روزهای عاشورا، بر سفره های خون بنشینند و رمضان



➔ و داروخانه چی و بسیجی است و نه پزشک، در نقش یک پامبری رهبر، بیهوده گویی های حوزه و روحانیت و رهبر را واگویی کند که جامعه را به فضولات الاغ ماده و استعمال روغن بنفشه و دعا و امامزاده حواله دهد. بهانه آوردند که تحریم دارو و واکسن در میان است. رئیس «اتحادیه واردکنندگان داروی ایران» در گفتگویی به سایت «سپیدآنلاین» فاش ساخت که «برای انتقال ارز به خارج و واردات دارو و اقلام پزشکی مشکلی وجود ندارد.» و در پی این فاش گویی، گویا مجازات شد و از او خبری نیست.

رکورد ۵۰ ساله تدفین شدگان روزانه در گورستان اصلی در تهران شکسته شده است.

و رسانه های حکومتی، بازم رکورد تازه ی حکومت اسلامی را با آب و تاب اعلام کردند. اگر بیمارستانی برای پذیرش درمندان نیست، اعلام شد که به پشتکاری و مرگ پرستی حکومت ولایی و ناب محمدی: گورستان بهشت زهرا با سه شیف کاری در شبانه روز برای بلعیدن ستمبران دهان گوشده است. اسحاق جهانگیری دستیار اول رئیس جمهور ایران اسلامی به عنوان کارفرمای گورستان، در بازدید از این گورستان از کارکنان آن تقدیر کرد. پرستاران، به ورزان، کارگران بخش بهداشت و درمان، کارگران شهرداری، ستمبران و تهیدستان و تمامی کارگران خط اول جبهه مرگبار رژیم همانند برگ خزان، ساکنین گورهای سفارشی حکومت هستند. پاکبانان به ناچار، سهمیه واکسن خود را در برابر تمدید قرارداد کار موقت در زباله دانی ها، به رؤسای خود در شهرداری ها می دهند.

به عنوان یک حق مسلم، واکسن مطمئن و رایگان و سراسری را با فریاد در خیابان ها درخواست کنیم!

کیفر خواست کارگران ادامه دارد، روز دادرسی تا روزهای دادرسی انقلابی نزدیک. مارش های انقلابی روز اول ماه مه سال ۲۰۲۱ را با شعار محکومیت حکومت اسلامی به خاطر جنایت علیه بشریت برگزار می کنیم.

۲۲ آوریل ۲۰۲۱



و نهادهای بهداشتی به سوداگری جان ها در برابر دلار فرمان داد.

«سازمان غذا و داروی ایران» اعلام کرده بود «بخش خصوصی همه واکسن های وارداتی را باید به وزارت بهداشت بفروشند». روحانی، کارگزار رانت خوارانی است که با پرداخت رانت ارزی، ارز «نیمایی» یعنی دلار ۴۲۰۰ تومانی، بازار واردات و دلالی واکسن را به سران سپاه و سازمان اطلاعات سپاه، زیر نام «بخش خصوصی» وا می گذارد، فروش واکسن را به دلالتان واسپرد تا حکومت را از تامین آن معاف نشان دهد. کوکس وابسته به سازمان جهانی بهداشت هرچند ارگان سرمایه ی جهانی، اما به حکومت ایران هشدار داد: "کرونا را سیاسی نکنید و حالا هم می گوید لطفاً ماجرای واکسن را سیاسی نکنید."

سازمان عفو بین الملل که این نیز ارگانی در دست دولت هاست، حتا در برابر فرمان مرگ دستجمعی از سوی خامنه ای در رابطه با ممنوع کردن دسترسی میلیون ها تن از حکومت شوندگان در ایران از حق برخورداری از واکسن و زندگی و نمردن از ویروس فرمان خامنه ای را "نادیده انگاشتن حق حیات و حق سلامت" مردم دانسته و گفته است: "رهبر در حال بازی با جان میلیون ها انسان است. مقامات باید به این بی اعتنائی شرم آور به تعهدات حقوق بشری پایان دهند."

رکوردی تاریخی

حکومت اسلامی بازم در کنار رکورد زندان و دار و کشتار، رکورد شکست. رئیس بسیجی گورستان بهشت زهرا اعلام کرد: این رکوردی "بی سابقه" بوده در «تاریخ ۵۰ ساله بهشت زهرا!» در روز سی و یکم فروردین ۱۴۰۰

آنگاه که «کواکس»، یعنی نهاد هماهنگ کننده سازمان بهداشت جهانی برای دسترسی کشورها به واکسن کووید-۱۹، اعلام کرد که حکومت ایران می تواند از سهمیه واکسن برخوردار باشد و حتا نوبت را تمدید کرد، خامنه ای در دخمه ظاهر شد و کارآترین واکسن های ساخت دانشمندان در آمریکا و انگلستان که در یک همکاری علمی و جهانی به دست آمده بودند را ممنوع اعلام کرد، زیرا که قتل عام باید ادامه می یافت. دلالتان و سران سپاه، دلالتان چین، دلالتان روس و باندی با کوبا و دیگرانی بدون کوچکترین پروتکل علمی و موازین جهانی به بازار پرسود واکسن های تقلبی و نامطمئن و تایید نشده چینی و روسی و داخلی پرداختند. حسن روحانی، وقیحانه همچنان در حالیکه موج چهارم که از موج نخست و دوم و سوم به صورت فزاینده و پیوسته دروگر جان ها است، دروغ بافید و بر فریاد و جنازه های مردمان، دهن کجی کرد. حسن روحانی، سرمایه داران را به خرید واکسن و فروش آن به صورت دلخواه فراخواند تا هر دلال و سوداگری در ردیف اسدببگی ها و بابک زنجانی های بازتولید شده، دلار دولتی بگیرند و دلار های بازار پاره کنند و سهم امام و سرداران را لحاظ دارند. فرمان داده شد:

"تولیدکنندگان بزرگ و کارخانه های بزرگ" می توانند برای کارگران خود اقدام به خرید واکسن کنند. و آنانرا بدون دخالت کارشناسان

نماینده گی کومه له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه

حزب کمونیست ایران

آدرس های

حزب کمونیست ایران

و کومه له

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
dabirxane.cpi@gmail.com

کارگر می رزم

ویژه جنبش کارگری تجربه هفت تپه

مروری بر مبارزات طبقاتی درخشان جنبش کارگری در هفت تپه، برگی از آزمون مبارزات کارگری است که به صورت نوشتارهای مجزا ارائه می‌شوند. در این شماره، بخش هفتم آنرا پی می‌گیریم.



و همفکری بگذاریم تا ظرف روزهای آینده نتیجه‌گیری و اقدام کنیم. پاینده باد هفت تپه. در این روز شمار عظیمی از کارگران کشاورزی درب مدیریت همایش کردند و با پیوستن کارگران از سایر بخش‌ها در بخش صنعت به صورت راهپیمایی به امور مالی و اداری و تجهیزات مکانیکی وارد شدند و به سوی کارخانه حرکت کردند. با گردآمدن همهی کارگران، به سوی مدیریت سرازیر شدند و همانجا اعتصاب خود را با تحصن آغاز کردند.

ارتباط شورای اسلامی کار با امنیتی‌ها، استاندار، اسدبیگی‌ها

در آغاز اعتصاب‌ها و در روزهایی که از احضار و محاکمه اسد بیگی‌ها در جریان بود، شورای اسلامی کار از اعتصاب دم زد ولی فعالین و کارگران به فراخوان انحرافی شورای اسلامی کار پاسخ ندادند.

شورای اسلامی کار با بیش از ۲۰۰۰ امضا کارگران مردود اعلام شده بود. اما عوامل کارفرما و دولتی‌ها، در شرایطی برای رسمیت بخشی به شورای اسلامی کار پرداختند که بیش از همیشه این بازوی ضد کارگری سرمایه‌داری در مجتمع نیشکر، بی‌آبرو شده بود.

بنا به گزارش کانال مستقل کارگران، دسیسه‌ی عوامل شورای اسلامی کار و عوامل خودفروخته، ایجاد یک سپر انسانی برای جلوگیری از بازداشت اسد بیگی بود. اسد بیگی در دادگاه گفته بود اگر اعلام کند اگر مرا بازداشت کنید کسی نیست دنبال تهیه پول و پرداخت دستمزدها برود. او با همین دسیسه آزاد شد و بدون اینکه مزدی پرداخت کند این فریبکاری پی در پی و به همین شیوه ادامه داد. شورای اسلامی کار در این مقطع

بازار شوش و مدارس و مراکز تعطیل است. وضع همه جا تقریباً قرمز. از دیشب فوتی‌ها بیشتر از ۲۵۰ نفر شده. وزیر بهداشت می‌گه وضع زیادی قرمز و داره به سیاهی میره. ما کارگرا باید هر روز بریم کار و در کارخانه هم خبری از این حرفها نیست. چطور مطمئن باشیم که بیمار نمی‌شیم؟ واکسن هم که نیست. چرا کارمون را موقتا تعطیل یا کم نمیکنن، ما هم نمی‌تونیم نفس بکشیم.»

اعتصاب دانشگاه کارگران



آغاز اعتصاب، دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹ کارگران برای اعلام اعتصاب با هم شور می‌کنند. برای یک مبارزه جمعی، باید جمعی تصمیم گرفت و با هم حرکت کرد.

برای اعلام اعتصاب، چنین نظر خواهی می‌شود:

- به نظر شما آیا باید تجمعات را در داخل شرکت برگزار کنیم و یا مستقیماً جلوی فرمانداری؟
لطفاً در گروه‌های مختلف این مورد را به بحث

از تابستان ۹۹ تا آستانه‌ی اول ماه مه ۱۴۰۰ و آن اعتصاب با شکوه و الگوواره‌ی ۹۵ روزه‌ی کارگران نیشکر هفت تپه کمتر از یکسال می‌گذرد. از فردای پایان یابی اعتصاب ۹۵ روزه تا کنون در بخش‌های مختلف مجتمع نیشکر هفت تپه، روزی بی‌اعتراض و اعتصاب و فریاد نبوده است. اعتراض‌های بازنشسته‌گان کارگری، سراسری شده است و فریاد مرگ بر حکومت و روحانی در خیابان‌های آماده‌ی خیزش به گفتمان روزمره تبدیل شده است. بازنشسته‌گان تأمین اجتماعی برای سومین بار در اولین ماه سال ۱۴۰۰ بار دیگر همزمان در تهران و شهرهای کرج، قزوین، اراک، خرم‌آباد، اصفهان، مازندران، بهشهر، تبریز، بجنورد، کرمانشاه، شیراز، زنجان، نوشهر، نیشابور و... در اعتراض به وضعیت سخت گذران زندگی و وعده‌های دروغین مسئولان و نارضایتی شدید از وضعیت موجود به خیابان‌ها آمدند و تا لحظه ارسال این گزارش همچنان این اعتراضات ادامه دارد. کارگران هفته تپه در روز ۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۰ که این نوشتار برای نشر آماده می‌شد در هفت تپه - کانال مستقل اعلام کردند:

نزدیک به ۲۰۰ تن از کارگران بخش دفع آفات شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و شماردیگر از هم‌سنگران‌شان از شب ۷ فروردین ماه به همایش اعتراضی برخاسته‌اند. اعتراض همچنان ادامه دارد. اعتراض به اخراج ۸ نفر از نمایندگان و همکارانشان، اعتراض به ایجاد ناامنی در محیط کار، ندادن لباس کار، سهمیه شرکت و کاهش مدت قرارداد بخشی از کارگران و او از جمله خواسته‌های کارگران اعتصابی می‌باشند. هفت تپه - کانال مستقل کارگران - (۱۱،۰۴،۲۱)

کارگران در کانال مستقل خود نوشتند: «نمی‌تونیم نفس بکشیم»

➔ وظیفه داشت تا با درخواست پرداخت دستمزدها و نه بیشتر، اعتصاب را در همینجا مهار بزند. تلاش عوامل کارفرما و شورای اسلامی کار به خیابان کشاندن کارگران برای اهرم فشار جهت جلوگیری از بازداشت اسد بیگ‌ها و برداشتن فشار روی بازداشت شدگان فاسد بود.

درخواست برای دریافت دستمزدهای پرداخت نشده تنها یکی از مطالبات کارگران بود. با طرح خواست‌های چندگانه و حیاتی کارگران از جمله خلع ید از بخش خصوصی، شورای اسلامی و اطلاعاتی‌ها همدست شدند و برای انحراف، تنها پی گیری خواست دستمزد از طریق شورای اسلامی حکومتی را در میان نهادند. رضا رخشان و فریدون نیکوفرد و کرامت پام از جمله عوامل کارفرما در این برهه بودند. این عوامل و دسیسه‌های آنان بی درنگ از سوی کارگران برملا و رانده شدند. این عناصر به برخورد فیزیکی با نمایندگان سرفراز کارگران از جمله محمد خنیفر روی آوردند، اما دسیسه‌های آنان خنثی شد.

در روزهای اعتصاب، عوامل شورای اسلامی کار و کارفرما، از جمله رضا رخشان و فریدون نیکوفرد با نیکزاد نماینده مجلس اسلامی به تنهایی گفتگو کردند و موضوع لغو خصوصی سازی را خواست کارگران ندانستند و با این دسیسه‌ی امنیتی برای جلوگیری از اعتصاب و طرح خلع ید مأموریت یافتند. کارگران در برابر حکومت و کارگزاران سرمایه، با طرح خواست‌های زیر، اعتصاب تاریخی را اعلام کردند:

خلع ید فوری کارفرمای اختلاسگر و بخش خصوصی از هفت تپه پرداخت فوری تمام حقوق‌های معوقه و تمدید دفترچه بیمه بازگشت به کار فوری برای همکاران اخراج شده در تمام بخش‌ها بازداشت فوری اسد بیگی و مجازات حبس ابد برای اسد بیگی - رستمی بازگرداندن فوری ثروت‌های اختلاس شده به کارگران پایان کار مدیران بازنشسته تشکیل مجمع نمایندگان مستقل کارگران

در آغاز، اعتصاب در محیط کار به راه افتاد. همانگونه که اشاره شد، تلاش کارگزاران ضدکارگری در کارخانه، خارج ساختن کارگران از کارخانه بود. هراس دولت و کارفرما آن بود که با حضور کارگران و اعتصاب در کارخانه: - می‌تواند به اشغال کارخانه و کمیته‌ی

کارخانه بیانجامد و

- با کشاندن کارگران به بیرون و محدود کردن خواست‌ها به تنها یک خواست پرداخت دستمزدها، دیگر خواست‌ها به کناری گذارده می‌شوند،

- با تحریک و تشنج و ایجاد درگیری و دامن زدن به موضوع انحرافی قومیت و باورها، با درگیری فیزیکی زمینه دستگیری کارگران پیشرو را فراهم آورند

- از سوی دیگر با رسانه‌ای کردن این درگیری‌ها، چهره‌ی دیگری از اعتصاب نشان دهند و اعتصابگران و اعتصاب را از پشتوانه‌ی مردمی محروم سازند.

به همین دلیل بود که روز پنجم اعتصاب در روز ۳۱ خرداد از سوی کارگزاران سرمایه و کارگران دو تجمع با اهداف اشاره شده برگزار شدند. کانال مستقل کارگران هفت تپه از قول کارگران اعتصابی، برای خنثی سازی نقشه‌های ضدکارگری شورای اسلامی کار و عوامل کارفرما بی درنگ به آگاه‌گری پرداخت و دو تجمع و دو هدف را اینگونه شرح داد:

دو تجمع دو انگیزه و دو هدف

«جاسوس‌های اطلاعات و کارفرمایان اختلاسگر دست به کار شده‌اند و به عنوان ستون پنجم اختلاسگران وارد شده‌اند که از قافله غفب نمانند. اینها برای ایجاد تفرقه آمده‌اند. کارگران هفت تپه انواع رخشان و نیکوفرد و مسعود کثیر را نخواهند بخشید! همکار مستقیم اطلاعات وارد صحنه شده است! باید همزمان با بیرون کردن اسد بیگی و رستمی این مزدوران را هم بیرون کنیم. همکاران در مقابل این ستون پنجم‌های کارفرما هشیار باشید در لیست تبلیغی و تشویق رفتن به جلو فرمانداری است، رخشان و کرامت پام اثری از خلع ید و .. نیست. تنها حقوق معوقه معلوم است به دست عوامل اسد بیگی تهیه شده و دست مسعود کثیر پشت آن است.

امروز شنبه، با دخالت عوامل کارفرما، انشعابی در اعتصاب و تجمع کارگران هفت تپه رخ داد. یک عده در درون شرکت تجمع و اعتصاب کردند و متأسفانه عده‌ای هم گول خوردند و تجمعی‌گدایی وار جلوی فرمانداری داشتند. این دو تجمع از زمین تا آسمان با هم فرق دارد:

تجمع درون شرکت یعنی ادامه کشت و کار و تولید و کنترل کارگران بر شرکت. چرخیدن چرخ کشت و تولید و گرفتن بهانه از کارفرما

برای حقوق ندادن. کنترل کارگری بر اوضاع شرکت. مسلط بودن بر شرکت و تمامی بخش‌ها و قدم به قدم بیرون کردن مدیران ارشد و عوامل کارفرما و بعد از خلع ید از این اختلاسگران بخش خصوصی، شرکت را تحویل نمیدهیم تا مال کارگران شود و حتی اگر دولتی شد نظارت کامل کارگری روی آن باشد. این تجمع حساب شده در درون شرکت با هشیار و هدف اصلی لغو خصوصی سازی انجام شده.

کارگران، اتوبوس و پول برای رفت و آمد زیادی ندارند که دو ساعت بروند جلوی فرمانداری بعد دوباره برگردند شرکت ادامه کار. وقتی قرار باشد جلوی فرمانداری تجمع باشد یعنی باید از اول صبح همانجا بروند و شرکت نیابند مگر اینکه مدیران شرکت برای رفت و برگشت (هر دو)، وسایط حمل و نقل در اختیار قرار بدهند! که نمیدهند زیرا الان بحث بر سر خلع ید خود آنهاست. کارفرما این کار را نمیکند که اتوبوس بدهد که دوباره از دم فرمانداری برگردیم شرکت و کار کنیم! چون می‌خواهد شرکت تعطیل شود! کارفرما اتوبوس میدهد که برویم فرمانداری و دیگر برنگردیم شرکت. لطفا هشیار باشیم!

• از طرفی تجمع فقط در جلوی فرمانداری یعنی از اول صبح باید رفت دم فرمانداری و شرکت رفتن متمنی میشود. رفتن جلوی فرمانداری یعنی تعطیلی شرکت. در این شرایط رفتن جلوی فرمانداری یعنی ایجاد جو ظاهراً امنیتی در شهر و فشار شورای تامین برای دادن یک حقوق (مثلاً به قول نماینده شوش با دخالت و پرداخت از سوی جهانگیری یا نوبخت در دولت) و بعد برگشتن کارگران به سر کار با همان مالکیت و مدیریت اسد بیگی. یعنی اسد بیگی با فرمانداری رفتن کارگران موفق میشود حقوق کارگر را از جیب دولت بدهد و اعتصاب هم تمام شود و مالکیت خودش ادامه پیدا کند. در این شرایط جلوی فرمانداری رفتن یعنی تثبیت بخش خصوصی و از دست دادن شرکت و کشت و تولید و کنترل کارگری بر شرکت و تقلیل دادن مطالبات به یک حقوق.

اعتصاب و تجمع در شرکت را عوض کردن با تجمع جلوی فرمانداری یعنی عوض کردن کنترل و اداره کارگری بر شرکت و نابود نکردن کشت و شرکت را با مطالبه فقط یک حقوق عوض کردن. یعنی به جای خلع ید از بخش خصوصی فقط یک حقوق بگیریم و همان بخش خصوصی باقی بماند. آن هم در شرایطی که این اختلاسگران در حال محاکمه هستند. بیخود نیست تمام جاسوسان ➔

➔ و عوامل کارفرما تلاش کردند کارگران را از شرکت بیرون ببرند و در جلوی فرمانداری بگویند: "اختلاس به ما ربطی ندارد؛ ما با این کارفرمایان مشکلی نداریم فقط حقوق بدهند" (همانطور که یکی از عوامل کارفرما یعنی کرامت پام دقیقاً در مصاحبه اش با خبرگزاری امنیتی صدای کرخه همینطور اعلام کرده بود).

همکاران عزیز به هوش باشیم. وقت خلع ید از بخش خصوصی است. نه فقط گدایی یک حقوق. شرکت را رها نکنیم و تعطیل نکنیم. اسدیگی-رستمی را بیرون کنیم نه خودمان بیرون برویم و همه چیز را رها کنیم! بخش خصوصی را بیرون کنیم نه اینک یک حقوق گدایی کنیم.

این پیشنهاد از سوی جمعی از کارگران از بخش های مختلف شرکت هفت تپه در روز شنبه - ۳۱ خرداد ۱۳۹۹ از کانال مستقل هفت تپه اعلام شد.

هفته نخست اعتصاب، تجربه‌ی اعتصاب در محل کار

نظر سنجی شورآگرایانه‌ی کارگری

کارگران، خواست تعاونی‌خودگران یا دولتی کردن خودگردان را در یک همه پرسی کارگری به رای گذاشتند. در این نظر سنجی، ۴۴درصد با واگذاری صددرصد شرکت به کارگران و ۵۶ درصد با دولتی شدن و کنترل

کارگران رای می‌دهند.

- هیچ آدم عاقل این راه را انتخاب نمی‌کند

ما حقمان را در هر جا که باشد می‌گیریم و ترسی هم نداریم اما خدا هم عقلی به ما داده؛ عقل میگوید الان زمان فرمانداری رفتن نیست. فردا صبح دم شرکت تصمیم گیری جمعی میکنیم. امیدواریم برخی!!! به عقل و تصمیم جمعی احترام بذارن و سر از خود کاری نکنن.

- این تاکتیک تا این لحظه، یک انتخاب آگاهانه بود، تجربه اعتصاب در کارخانه، برای نشان دادن آنکه
- کارخانه ملک خودمان است،
- می‌توانیم بدون مدیریت با خود مدیریتی جمعی، کل مجتمع را اداره کنیم،
- نظارت بر کار، کنترل و تولید به وسیله‌ی کارگران

- نشان دادن اهلیت کارگران که حاکمیت با تمامی جناح‌ها در تلاش آن بوده و هست که کارگران را «نا اهل» جلوه دهد.
- حفظ تولید و حفظ مزارع با آبیاری و اداره امور
- خنثی کردن دسیسه‌ها نقشه‌های کارفرما و بالایی‌ها
- مراجعه به مجمع عمومی کارگران در محل کار، برای تصمیم گیری جمعی و خرد جمعی....



هفته نخست تجربه‌ی اعتصاب در محل کار کارگران تجربه‌ی خود را در روز ششم اعتصاب در محیط کار اینگونه بیان کردند:

«در حالی که داشتیم تو شرکت اعتصاب میکردیم بهانه ای دست کسی نبود و شرکت رو هم اداره میکردیم. اداره شرکت رو رها کردن، کشوندن جلو فرمانداری که فقط با یه خواسته حقوق سر و ته قضیه رو تموم کنن. در حالی که اعتصاب تو شرکت کشت و داشت و کارخانه سر پا بود و شرکت دست خودمون بود. چطور بر خی از دوستان به تحریکات عوامل کارفرما تن میدن؟ خواسته ما که فقط حقوق معوقه نیست، الان باید شرکت رو از این دزدا بگیرن. این اسدیگی و رستمی باید زندانی بشن.»

روز هفتم اعتصاب

تجربه کارگران به بیان خود در این هفته چنین بیان شد:

- در این شرایط رفتن جلوی فرمانداری یعنی بازی کردن در زمین اختلاسگران
- یعنی تثبیت مالکیت داعشی‌ها
- یعنی تقلیل خواسته‌های کارگران به گدایی حقوق
- یعنی گروگان گرفتن کارگران و تیغ زدن دولت
- یعنی منحرف کردن پرونده محاکمه دزدها
- یعنی تعطیل نشان دادن شرکت
- یعنی نابودی مزارع

زنده باد اول ماه مه

تنها طبقه کارگر سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است ادعای خود علیه سرمایه داران را متحقق سازد.

تنها

طبقه کارگر سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی می تواند آزادی حقیقی را برای مردم به ارمغان بیاورد. تنها کارگران سازمان یافته و دارای رهبری سیاسی می توانند منزومات سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و پیشروی انقلاب را تضمین نمایند.

زنده باد اول ماه مه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

بیانید بنا به سنت

هر ساله با طرح مطالبات کارگران و تأکید بر خواسته های آزادی خواهانه، عزم خودمان را

در مبارزه علیه فقر و تبعیض و نابرابری و فساد، علیه آپارتاید جنسیتی، علیه سلب آزادیهای سیاسی و سرکوب و زندان و اعدام، اعلام کنیم.

زنده باد اول ماه مه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر توهمات رفرمیستی - زنده باد مبارزات طبقاتی انقلابی!، نوشتاری است از رزا لوکزامبورگ به مناسبت اول ماه مه ۱۹۱۳، یک سال پیش از شعله ور شدن جنگ جهانی اول (۱۹۱۴). این نوشتار به گونه ای انقلابی و شگفت انگیز پیش بینی و تحلیل رخدادهای آینده و بیانگر نگرانی ها و خود ویژگی های بالنده ترین رهبری انقلابی همچون روزا لوکزامبورگ را به نمایش می گذارد. و از سوی دیگر تحلیلی است که به نگرش های تحقیرآمیز و توهمات همکاری طبقاتی برخی رهبران سیاسی برخورد می کند و نیز ماهیت دوران امپریالیسم را به نمایش می گذارد و آثر خطر جنگی است که به موقع به صدا در می آورد.

ترجمه: مرضیه نظری



مرگ بر توهمات رفرمیستی - زنده باد مبارزات طبقاتی انقلابی!

نیست. تدارکات و جنگ های نظامی، درگیری های بین المللی و سیاست های استعماری، تاریخ سرمایه را از آغاز تولد آن همراه کرده است. افزایش شدید چنین عناصری، تمرکز و طغیان عظیم این درگیری ها است که منجر به ایجاد دوره ای جدید در روند جامعه کنونی شده است. در عمل متقابل دیالکتیک - در عین حال نتیجه و علت انباشت قدرتمند سرمایه و در نتیجه تشدید و برنده شدن تضادهای بین کار و سرمایه در درون و بین دولتهای سرمایه داری در بیرون - امپریالیسم وارد مرحله ی نهایی خود، یعنی تقسیم خشونت آمیز جهان از راه هجوم سرمایه شده است. زنجیره ای از تدارکات نظامی پیوسته و بی سابقه رقابتی در خشکی و دریا در همه ی کشورهای سرمایه داری، زنجیره ای از جنگهای خونین از آفریقا تا اروپا که هر لحظه، ممکن است با زدن جرقه ای، آنرا به یک آتش جهان سوز تبدیل کند. به علاوه، برای سالهای پیاپی، شبخ هزینه های بالای زندگی، گرسنگی توده ها در کل جهان سرمایه داری، که دیگر نمی توان اینها را نادیده گرفت - در سایه این "نشانه ها" است که کارگران جهان، بیست و پنجمین سالگرد روز جهانی خود را جشن می گیرند. هر یک از این "نشانه ها" گواهی آشکار برحقیقت زنده و قدرت آرمانهای اول ماه مه است.

ایده اصلی درخشان جشن اول ماه مه، عمل مستقل توده های پرولتری است، اقدام جمعی سیاسی میلیون ها کارگرانی است که اینک با اقدامات خرد پارلمانی که توسط مرزهای کشوری جدا شده و فقط در رأی دادن به نمایندگان تجلی پیدا میکند تا اراده خود را بیان کنند. پیشنهاد ارزنده ی لائوین فرانسوی در کنگره بین المللی در پاریس، این

استرس ها و دلهره ها، تصادمات و آشوب ها و لرزه در بنیان های جامعه آغاز شد. دوره ی ده ساله ی رشد منحنی اقتصادی توسعه در دهه ی بعد، با دو بحران تکان دهنده جهانی جایگزین شد. پس از دو دهه صلح جهانی، دهه آخر سده ی گذشته، شاهد شش جنگ خونین و دهه ی اول قرن جدید شاهد چهار انقلاب خونین بود. به جای اصلاحات اجتماعی، لویح فتنه، لویح زندان و زندانی کردن ها؛ به جای [وعده های] دموکراسی صنعتی، تمرکز قدرتمند سرمایه در کارتل ها و اتحادیه های کارفرمایان و روند اخراج سازههای گسترده در سطح جهانی و به جای توسعه نوین و رشد یابنده ی دموکراسی در کشور، سقوط اسفبار آخرین بازماندگان لیبرالیسم بورژوایی و دموکراسی بورژوایی را شاهد بودیم. فقط در آلمان، سرنوشت احزاب بورژوایی از دهه ی نود به این سوی، پیدایش و انحلال پرشتاب و ناگزیر حزب سوسیال-ناسیونال، تجزیه اپوزیسیون لیبرال و اتحاد مجدد قطعات آن در باتلاق ارتجاع و سرانجام تبدیل مرکز از یک حزب رادیکال مردم به یک حزب دولتی محافظه کار بوجود آورده است. تغییر در احزاب در سایر کشورهای سرمایه داری نیز همانند بوده است. امروزه، در همه جا، طبقه کارگر انقلابی خود را تنها در برابر واکنش فشرده و خصمانه طبقات حاکم و یورش های سنگین آنها که فقط طبقه کارگر را هدف قرار داده است، می بیند.

"نشانه ای" که از ورای آن، کل این پیشرفت در زمینه اقتصادی و سیاسی انجام گرفته، فرمولی که براساس آن می توان پی یابی آنرا در گذشته جستجو کرد، امپریالیسم است. این یک عنصر (اله مان) جدید، و یا یک انحراف غیر منتظره در مسیر کلی تاریخی جامعه سرمایه داری

هنگامی که تظاهرات اول ماه مه برای نخستین بار برگزار شد، پیشتازان انترناسیونال، طبقه کارگر آلمان، در آن مرحله بودند که زنجیره های یک قانون وضعیت اضطراری ننگ آور را از هم بگسلند و در مسیر پیشرفت آزاد و قانونمند قرار بگیرند. دوره رکود دراز مدت در بازار جهانی سرمایه، از زمان سقوط دهه ی هفتاد برطرف شده بود و اقتصاد سرمایه داری مستقیماً در دوره ای از توسعه پر زرق و برق که تقریباً، یک دهه ی پیوسته به درازا می کشید وارد شده است. به همین ترتیب، جهان پس از بیست سال صلح پایدار، از خاطرات آن دوره جنگ که در آن سیستم دولتی مدرن اروپا، غسل تعمید خونین خود را برگزار کرده بود، بازیابی می شد. این مسیر برای یک توسعه آرام فرهنگی آزاد به نظر می رسید. توهمات و امیدها برای حل و فصل مسالمت آمیز بین سرمایه و کار در میان صفوف سوسیالیست ها با شکوه جلوه گر شد. پیشنهادها برای دستیابی به "دستی گشوده با حسن نیت" آغاز دهه نود بود. وعده های نامفهوم "تکامل تدریجی" به سوسیالیسم پایان آنها را رقم زد. بحران ها، جنگ ها و انقلاب ها نظریه هایی فرسوده، صرفاً قنداقچه های [پوشک نوزادان] جامعه مدرن تلقی می شدند. پارلمانتاریسم و اتحادیه های کارگری، دموکراسی در کشور و دموکراسی در صنعت باید دروازه ها را به روی نظمی نوین و بهتری می گشودند.

روند واقعی رویدادها، تمامی این توهمات را بطور هولناکی از هم پاشاند. به جای پیشرفت و گسترش آرام و تدریجی اجتماعی-رفرمیستی فرهنگ وعده داده شده، از اواخر دهه ی نود دوره ای از شدیدترین و خشن ترین تنش ها و ستیزهای سرمایه داری، دوره ای از توفان ها و



شعر قصه‌ها

عباس سماکار

شعر سایه دارد
تاریکی زلال آب ست شعر
خفگی صدساله در است
از یاد رفته‌گی روزهای تاریک
جوشش و خفگی ست
داد
شور
تلخی
تاریکی دریا
داد و بیداد یک دیوانه زنجیری ست
گریه ست
ابر
دَرش آذرخش پیچ در پیچ
بی صدا می لولد
تاب می خورد ناپیدائی لابه لاش
شعر پیش تاریخ نگاه عشق است
گم در سطرهای تر
تازه
جوان
لبخند پنهان پشت ابر
در روز نو از ماه مه
در روز سخت انقلاب
داد و بیداد خیابان زخم صدای کمین کرده در شعر می شود

تجلی غیرمستقیم پارلمانی
اراده پرولتاریا را با یک تجلی
جمعی مستقیم بین المللی، و
تهیه ابزاری برای یک تظاهرات و
تاکتیک جنگی برای روز کار هشت
ساعته، صلح جهانی، و سوسیالیسم
در هم آمیخت.

جای شگفتی نیست که کل روند و
گرایش کلی امپریالیسم در دهه گذشته
این بوده است که هر چه واضح تر
و ملموس تر برای طبقه کارگر بین
المللی آشکار سازد که فقط اقدام
مستقل کل طبقه کارگر در سطح هر
چه گسترده تر، کنش سیاسی خود
آنها، تظاهرات توده ای، اعتصابات
سراسری، که باید دیر یا زود به دوره
ای از مبارزات انقلابی برای کسب
قدرت سیاسی برسد، می تواند پاسخ
بایسته و درست پرولتاریا به فشار بی
سابقه سیاست های امپریالیستی باشد.
در این لحظه آماده سازی های نظامی
و دیوانه وار جنگی، تنها موضع قاطع
مبارزاتی توده های کارگر، توانایی و
آمادگی آنها برای یک اقدام قدرتمند
سراسری و دستجمعی طبقاتی است که
همچنان صلح جهانی را حفظ می کند
و هنوز هم می تواند آتش تهدیدهای
جهانی را به تعویق بیاورد. و هرچه
ایده ی اول ماه مه، ایده اقدام جمعی
قاطع در شکل مارش ها و همایش
های همبستگی بین المللی و به عنوان
یک تاکتیک مبارزاتی برای صلح و
سوسیالیسم حتی در نیرومندترین
بخش بین الملل، یعنی طبقه کارگر
آلمان، ریشه بدواند، ضمانت اجرایی
بیشتری خواهیم داشت که از جنگ
جهانی، که ناگزیر دیر یا زود روی
خواهد داد، به یک سرانجام نهایی و
در سرانجام به پیرومندی جهان کار
بر جهان سرمایه دست یابیم.

لاپیزینگ، ۳۰ آوریل ۱۹۱۳

منبع: کمونیست

The Communist, Vol. (VII)

(VII)، شماره ۵، ماه مه ۱۹۲۸، صص

۲۶۲-۲۶۴. ناشر: حزب کارگران

(کمونیست) آمریکا.



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت اول مه علیه سرمایه داری، زنده باد انقلاب کارگری!

نیز به گرانی و گرسنگی و سیل و زلزله و کلیه فروشی و سرکوب روزانه اضافه شد. زندگی زیر خط فقر، ابتلای میلیونی به کرونا و مرگ و میر روزمره و نبودن امکانات پزشکی و درمانی و عدم دسترسی به واکسن، مساله عدم تامین معیشت و درمان و واکسن را اکنون به معضل اکثریت عظیم چند ده میلیونی کارگران و مردم ایران تبدیل کرده است. این در شرایطی است که حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و دولت پاسخگوی کمترین نیازهای معیشتی و سلامتی کارگران و مردم نیست. با این شرایط دشوار کارگران به اشکال مختلف برای تحقق مطالبات خود مبارزه کرده و می‌کنند.

در اول مه امسال رسالت جنبش ما، جنبش طبقه کارگر جهانی و جنبش کارگری ایران به عنوان بخشی از اردوی بین المللی کارگران، برافراشتن رسالت ادعانامه و نقد و اعتراض عمیق علیه عملکرد ضد کارگری و ضد انسانی کاپیتالیسم و حکومت‌های سرمایه داری است. با صدای رساتر از همیشه میگوئیم این نظام صلاحیت اداره جامعه را ندارد و باید برود. کارگران که هر روز چرخهای تولید در جهان را بحرکت در میاورند، هر دقیقه نیازهای میلیاردی بشر را تولید میکنند، خود نیز میتوانند، سرنوشت خود را به دست بگیرند، جامعه را اداره و مدیریت کنند. این نظام شایسته بشر امروز نیست. باید سرنگون شود و به جایش آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی متکی به اداره شورایی جامعه جانشین شود.

اول مه روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه نظم وارونه کاپیتالیستی، روز اعلام اتحاد و همبستگی حول راه حل کارگری و سوسیالیستی نجات بشریت از رنج و درد و مصائب غیر قابل تحمل نظام سرمایه داری است. طبقه کارگر در هر کشور لازمست به ابزارهای موثر نبرد با دولتهای سرمایه داری حاکم مجهز شود. حزب کمونیستی و طبقاتی خود را بعنوان ابزار سازماندهی انقلاب کارگری بسازد. به سازمانهای توده ای پیشبرد مبارزات آنی و آتی و اقتصادی و سیاسی خود متکی شود. شوراها و دیگر ارگانهای عمل مستقیم کارگری و توده ای را سازمان داده و برای بزرگ کشیدن نظام سرمایه داری و برقراری دولت کارگری شورایی متحد شود.

ما احزاب و جریانات کمونیست و چپ همراه با طبقه کارگر ایران در اول مه امسال، ضمن اعلام همبستگی با دیگر بخشهای طبقه کارگر در جهان، اعلام میکنیم، فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری و تداوم اختناق و سرکوب در جامعه را تحمل نمیکنیم. اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر بخشهای حق طلب جامعه، علیرغم محدودیتهای کرونائی و سرکوب و زندان و بازداشت‌های فعالین کارگری و اجتماعی، تنها گوشه‌هایی از اعتراضات تلنبار شده در حال فوران علیه وضع موجود و جمهوری اسلامی است. در اعتراضات و مبارزات جاری کارگران بر تامین فوری هزینه لوازم زندگی و معیشت مکفی، درمان، سلامت و واکسیناسیون همه ساکنین کشور تاکید

در آستانه اول مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر، رنج مصائب نظم کاپیتالیستی بیش از هر زمانی طبقه کارگر را در جهان و در ایران تحت فشار قرار داده است. شکاف فقر و ثروت به عریانترین شکل سیمای دنیای معاصر را ترسیم میکند. سرمایه داری از یک طرف با تحمیل فقر گسترده و در بسیاری کشورها فقر مطلق زندگی اکثریت عظیم صدها میلیونی انسان کارکن و کارگران را در آستانه تباهی قرار داده و از طرف دیگر با تامین شرایط کسب سود نجومی اقلیت سرمایه داران صاحب موسسات کاپیتالیستی تداوم استثمار خشن این نظم وارونه و ضد انسانی را تضمین میکند. دولتهای سرمایه داری حاکم در سراسر دنیا، نهاد کارگزار و حافظ منافع همین سرمایه داران و مستقیماً ضد کارگر و ضد منافع اردوی بیشمار کار هستند. کشمکش روزمره و دایمی کارگران و اردوی کارپاسخی به مصائب گسترده و ناهنجاریهای عمیق ناشی از شکاف پایه ای فقر و ثروت تحمیل شده بر طبقه کارگر و بشریت است.

در سال گذشته و جاری اپیدمی کرونا ابعاد فجایع جاری را به سطح غیر قابل تحمل در سراسر جهان رسانده است. میلیونها انسان را به کام مرگ کشاند و در ابعاد دهها میلیونی به آن مبتلا شده اند. اثرات فاجعه کرونا بر نان و جان و معیشت و سلامت انسان بی سابقه و تکان دهنده است. کرونا بیش از هر واقعه ای بدون نقاب ارجحیت سودپرستی سرمایه داری را بر حیات انسان برملا کرد. ناآمدگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید-۱۹ نه از سر بی امکاناتی و نداشتن دانش علمی و پزشکی، یا بی اطلاعی از راههای موثر مقابله با یک فاجعه طبیعی و پزشکی، بلکه از سرگردش سرمایه در حوزه های سودورزی نجومی به نفع انباشت سرمایه غیر از عرصه های پزشکی و تامین سلامت و معیشت و رفاه شایسته برای انسان است. هم اکنون تولید و توزیع واکسنهای کرونا به بزنسهای بزرگ سود ورزی در میان قدرتهای بزرگ و شرکتهای دولتهای سرمایه تبدیل شده و به جای تعاون و همکاری در جهت سرعت عمل سریعتر و با کیفیت تر برای مقابله با ویروس کرونا، رقابت و مانع تراشی در مقابل واکسیناسیون سریع و همگانی به قیمت ادامه مرگ و میرانوبه انسانها، جاری است. این حقیقت تلخ نظم وارونه کنونی و اوج ضدیت کارکرد دولتهای سرمایه با حیات انسان است. کارگران و مردم در جهان یکبار دیگر این واقعیت تلخ را تجربه کردند، که این نظام ضد انسانی منشاء فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری و بیماری و عدم تامین معیشت و عدم تامین درمان و امکانات پزشکی برای شهروندان و مانع مقابله موثر با ویروس کرونا است. سرمایه داری نظم استثمارگر و اسارتبار انسانها است که در روز جهانی کارگر بر واژگونی آن پای میفشاریم.

در ایران فقر و گرسنگی، بیکاری و بیماری، عدم تامین معیشت و سلامت بیداد میکند. شرایط زندگی برای اکثریت جامعه یعنی مردم محروم و کارگر و زحمتکش، هر روز و هر ساعت غیر قابل تحملتر میشود. کرونا

بیانیه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد به مناسبت روز جهانی کارگر به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم!



زندگی همه ما خواهد رسید و هر حکم به اخراج از سوی کارفرما، بدون شک چماقی است بر سر تمامیت جنبش کارگری.

نظام سرمایه‌داری در ایران، اهداف شوم و ضد انسانی خود را از طریق قراردادهای موقت و بیکارسازی دنبال می‌کند و در برابر وام‌ها و فیش‌های نجومی ژن‌های خوب که آنان را برای رفاه بیشتر راهی پیشرفته‌ترین کشورها کرده است، به طور میانگین هر کارگر ایرانی برای یک ماه کار، دستمزدی معادل تنها دو روز کارگر ساده اروپایی دریافت می‌کند! با این حال با هر صدای حق‌طلبانه‌ای به عنوان نیرویی علیه امنیت ملی برخورد می‌شود و دستگاه امنیتی - قضائی زندان‌ها را مملو از فعالان ارزشمند جنبش‌های کارگری و معلمان و زنان و محیط زیست... کرده است.

واضح است که حاکمیت کمر به نابودی طبقه کارگر بسته و تمام برنامه‌های اقتصادی را بر پایه ارزان سازی نیروی کار و غارت سرمایه‌ها تنظیم کرده است.

در چنین شرایطی برخی از مزدبگیران به خاطر ترس از بیکاری به حقوقی ناچیز تن داده‌اند و کارگران به دلیل فقدان تشکلهای مستقل قادر نیستند برای چیزی فراتر از خط فقر مبارزه کنند.

از طرفی دیگر، شدت ناکارآمدی در مدیریت کشور به حدی است که با وجود توزیع واکسن در دنیا، تمام تریبون‌های حکومتی از ستاد کرونا و صداوسیما گرفته تا هیئت دولت و نهادهای قدرت با وقاحت تمام شیوع این ویروس را به گردن مردم می‌اندازند و از بی‌لیاقتی خود در زمینه درمان و معیشت شانه خالی می‌کنند.

کشتار گسترده مردم بر اثر کرونا را سپر بلای بی‌تدبیری و خیانت خود کرده‌اند تا توده‌های مردم به جای حق‌خواهی و سازماندهی اعتراضات، در فلاکت روزمره گرفتار شوند؛ ولی برای خانواده‌های سرداران و روحانیون و آقازاده‌ها و مزدورانشان واکسن و انواع امکانات فراهم می‌شود و همزمان واکسیناسیون رایگان و عمومی مردم که وظیفه قانونی دولت است و هزینه‌ای برابر با

قطره‌ای از دریای اختلاس‌ها و دزدی‌های

روز یازدهم اردیبهشت برابر با یک می که از زمان اعتصاب سراسری کارگران آمریکا برای تصویب هشت ساعت کار روزانه نامگذاری شده و یادآور تمام دستاوردهائی است که با مبارزات کارگری در سطح جهان به بار نشسته است.

به همین جهت در وهله اول این روز را به طبقه جهانی کارگر از زحمتکشان فرانسه تا مزدبگیران چین، به اتحادیه‌های مستقل کارگری از برزیل تا مصر و از صدها میلیون اعتصاب‌کننده در هند گرفته تا کارگران همیشه مبارز ایران در هفت‌تپه و هپکو و آذرباب و... تبریک می‌گوئیم.

همچنین به مناسبت این روز، یاد کشته‌شدگان قیام‌های کارگری از گمنام‌های پاریس تا انقلابیون سن پترزبورگ، از شورشیان شیکاگو تا اعتصابیون نساجی و نفت و راه آهن را گرامی می‌داریم و به پاس مقاومت جانانه کارگران در معادن سن‌خوزه و ژوهانسبورگ و شلاق‌هایی که بر کرده همکاران آق‌دره و پارس خودرو و شرکت واحد نقش بسته، روز جهانی کارگر را نماد مبارزات طبقه خود می‌دانیم.

کارگران، هم سرنوشتان و مبارزان آزادی و برابری هر روز خبرهای تلخی از بیماری شهروندان، بیکاری جوانان، سرکوب معترضان، خودکشی نوجوانان و... می‌شنویم و از دیدن فقر، استثمار، گرانی، کودکان کار و زباله‌گرد و بازمانده از تحصیل، حاشیه‌نشینان و معتادان و گدایان، نزاع‌های مذهبی و قومی و از دیدن این همه رنجی که به مردم تحمیل شده به درد می‌آییم. تجربه و مشاهده این موقعیت ما را به این نتیجه می‌رساند که عامل اصلی و هدایت‌کننده وضع موجود چیزی نیست جز سیستم حاکم که غرق در ظلم و فساد و جنایت گشته و جامعه را به ورطه نابودی کشانده است.

وقتی دولت سرمایه‌داری در ایران سال جدید را با اخراج‌های گسترده در مراکز کارگری و خدماتی آغاز می‌کند و با دستبند و گاز اشک‌آور به مصاف بازنشستگان می‌رود، این هشدار است به تمام کارگران و کارمندان مبنی بر اینکه اکنون زمان بیداری و مطالبه‌گری است.

هر نفر که از صفوف ما ضربه بخورد، ترکش آن به

میکند. کارگران در مقابل دستمزدهای چند بار زیرخط فقر دولتی، به روشنی اعلام کرده‌اند، حداقل دستمزد نباید کمتر از دوازده و نیم میلیون تومان باشد. به علاوه بر تامین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار، آزادی فوری کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی، بر آزادیهای سیاسی و حق اعتصاب و تشکل و دیگر خواسته‌های عاجل اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پافشاری میکند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست اول مه را به طبقه کارگر و همه انسانهای کارکن و معترض به نظم کاپیتالیستی در جهان و ایران تبریک می‌گوید. به سازماندهندگان اعتصابات و اعتراضات کارگری در سال سختی که گذشت درود می‌فرستد. با خانواده‌های کارگری و محرومان و کسانی که قربانی بیماری کرونا شدند، اعلام همدردی میکند. ما از کارگران و رهبران و فعالین پیشرو مبارزات کارگری می‌خواهیم، با رعایت استانداردهای پزشکی و بهداشتی، با اجتماعات ممکن و ابتکارات متنوع، روز اول مه را گرامی بدارند. در اول مه اعلام کنیم، سرمایه‌داری مسبب و بانی کلیه مشقات انسانها در کره خاکی است، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

زنده باد اول مه
زنده باد
اتحاد بین‌المللی کارگران
سرتکون باد نظام استثمارگر
سرمایه‌داری
زنده باد آزادی،
زنده باد سوسیالیسم

اردیبهشت ۱۴۰۰ - مه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

اول ماه مه،

اعلام عزم طبقه کارگر برای رهبری جامعه!

کارگری ایران بنا به تجربه و سنت سالهای گذشته در روز اول ماه مه در قطعنامه های خود بر مطالباتی تأکید می کند که نه تنها خواستههای محوری طبقه کارگر ایران را در بر دارد بلکه عاجل ترین مطالبات دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی دیگر و همه مردمان ستمدیده را نیز شامل می شود.

جنبش کارگری در این روز و در شرایطی که رژیم سرمایه اسلامی جان و سلامت و معیشت مردم رنجدیده ایران را به گرو گرفته است و بحران کرونا هر روزه از مردم ایران قربانی می گیرد، خواست تأمین و ارائه رایگان و همگانی واکسن کرونا به رأس مطالبات خود می آورد. کارگران ایران در این روز بر خواست افزایش دستمزدها متناسب با سطح تورم واقعی و متناسب با تأمین یک زندگی انسانی، تأمین بیمه بیکاری مکفی برای کلیه افراد آماده بکار، تأمین مسکن مناسب، لغو کار کودکان، آزادی بیان، آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، آزادی قلم، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و پایان دادن به مجازات اعدام، پایان دادن به تبعیض جنسیتی علیه زنان و تأمین برابری زن مرد در کلیه عرصه های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و پایان دادن به هر شکل از ستمگری ملی تأکید می کنند.

خواست افزایش سطح دستمزدها متناسب با سطح تورم واقعی و متناسب با تأمین یک زندگی انسانی، خواست تأمین بیمه بیکاری مکفی برای کلیه افراد آماده بکار، آزادی ایجاد تشکل کارگری و "آزادی زندانیان سیاسی" و تأکید بر حقوق انسانی همه افراد برای برخورداری از یک زندگی آزاد و انسانی، خود گواه اعتراض و حرکت طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت اقتصادی و جهنم سرکوب و اربابی است که رژیم اسلامی بر پا داشته است، نشانه این است که طبقه کارگر ایران با تمام نیرویش بر حق انسانی توده های کارگر و اکثریت مزدگیران جامعه برای برخورداری از آسایش و رفاه تأکید میکند. طبقه کارگر در اول مه با این شعارها نیروی رزمنده اش را برای پایان دادن به جهنمی که رژیم اسلامی بر پا کرده متحد تر میکند.

از سوی دیگر، تأکید بر آزادی بیان، آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، آزادی قلم، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و پایان

به اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر نزدیک می شویم، اول ماه مه برای کارگران جهان بویژه از دو جهت اهمیت دارد. اول آنکه در این روز کارگران همه کشورها، آگاهی طبقاتی شان، آگاهی بر شرایط زندگی، کار و مبارزه شان و آگاهی بر راه رهایی از ستم و استثمار نظام سرمایه داری را به نمایش می گذارند، کارگران نشان می دهند که نظام استثمارگر و ظالمانه سرمایه داری جاودانه و ابدی نیست، نشان می دهند که سرمایه داری پایان تاریخ نیست، کارگران جهان در این روز بر همبستگی بین المللی صفوف شان، و بر مبارزه جهانی طبقه کارگر برای برانداختن نظام بردگی سرمایه داری تأکید می کنند. دوم اینکه، در این روز کارگران جهان در یک آکسیون مشترک بین المللی، نیروی همبستگی و قدرت طبقاتی واقعی خود را احساس می کنند. فرا رسیدن اول مه هر سال فراخوانی است به صدها و صدها میلیون زن و مرد کارگر از هر ملیت و یا هر نژاد و رنگ پوست، تا در این روز همه چرخهای تولید سرمایه داری را از حرکت باز دارند، اعتصابی جهانی بر پا کنند، و هر گردان از این ارتش جهانی صدها میلیونی، نیروی رزمنده خود را با طرح عاجل ترین خواستههایش رودرروی طبقه سرمایه دار و دولت های حامی آن قرار دهد.

اما تأکید بر طبقاتی بودن روز جهانی کارگر و تأکید بر اهمیت ابتکار عمل فعالین و پیشروان جنبش کارگری در مورد چگونگی برگزاری اول ماه مه در شرایطی که بحران کرونا سایه مرگبار خود را بر جامعه گسترانده است به معنای آن نیست که فعالین و رهبران جنبش کارگری نسبت به مطالبات دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و دیگر مردمان ستمدیده ایران بی توجه هستند. همه می دانیم که جامعه ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و تحمیل سه دهه محرومیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک حالت انفجاری پیدا کرده است. گسترش اعتراضات و نفرت و انزجار عمومی از ادامه حاکمیت رژیم اسلامی بیانگر آن است که مردم آزادیخواه ایران نمی خواهند در برابر این همه رنج و محرومیت ها و سرکوب ها و افسار گسیخته این رژیم جنایتکار تسلیم بشوند و مترصد فرصتی هستند تا علیه ادامه وضع موجود قیام کنند، طوفان برپا کنند. در این شرایط جنبش

مسئولان دارد را به بخش خصوصی فاسد واگذار می کنند!

جغرافیای ما را کرونا سیاه نکرده است چون سیه روزی مردم کشورمان به دست همین آقایان و شبکه های مافیایی و نظامی شان رقم خورده است در صورتی که بحران هایی مثل تحریم و کرونا برای طبقه کوچک سرمایه داران به فرصتی طلائی و نعمتی بی پایان تبدیل شده است.

هر ریالی که به قیمت نان و ارز و سوخت اضافه می شود، سود بانکی مالکان و شاخص بورس دلالتان نیز چندین پله بالاتر می رود ولی از میان ما ده ها نفر به جمعیت گرسنگان و بی خانمان ها اضافه می گردد.

چه باید کرد؟

مجموع این موارد نشان می دهد که جامعه ما نیاز به دگرگونی های گسترده و زیربنایی دارد و طبقه کارگر تنها نیرویی است که در صورت متشکل شدن، توان مقاومت در برابر هر شکلی از نظام استثمار و استبداد را خواهد داشت.

اتحاد طبقاتی ما و متحدانمان می تواند پیام آور جامعه ای عادلانه و آزاد باشد و این کشتی طوفان زده را به ساحل بنشانند.

برای اینکه قدمی در راه حصول مطالبات مشترکمان برداریم نیازمندیم تا تشکیلات کارگری را در همبستگی با هم برپا کنیم و دستاوردهای عظیم جنبش کارگری جهان را نقطه آغاز قرار دهیم.

در طول این تاریخ پرغرور برای مطالباتی نظیر کاهش ساعات کاری یا بیمه و حقوق شناخته شده ای مثل حق تشکل یا حق برگزاری مجمع عمومی، خون های زیادی ریخته شده و اجازه نمی دهیم که این دستاوردها به فراموشی سپرده شوند.

این تاریخ ثابت کرده است تنها نیرویی که میتواند پرچم دار عدالت اجتماعی در جامعه باشد، طبقه کارگر متحدی است که کمیته ها و شوراهای سرتاسری اش به همین منظور قد علم می کنند. ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز) با این چشم انداز علیه ظلم و بیداد می جنگیم و برای سقف مطالبات کارگری اعم از مسکن و رفاه همگانی، بیمه بیکاری و درمانی مکفی، اعتراضات و اجتماعات آزاد، آموزش رایگان و امنیت شغلی هم پیمان می شویم و در کوره های ذوب آهن بر مشت های فولادین خود حک می کنیم تا در مسیر لغو استثمار انسان از انسان دست از سازماندهی و مبارزه طبقاتی بر نداریم.

ما کارگران آهنیم؛ ریشه ظلم رو می کنیم

روز جهانی کارگر گرامی باد

سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

سوسیالیسم تنها بدیل رهایی بخش کارگران و مردم ستمدیده!



➔ دادن به مجازات اعدام نشانه پیشتازی طبقه کارگر در مبارزه برای تأمین آزادی های دمکراتیک در جامعه است. تاکید بر آزادی بیان و آزادی ایجاد تشکل کارگری و خواست آزادی زندانیان سیاسی جزئی از خواست آزادیهای بی قید و شرط سیاسی است. طرح این شعار و تمرکز نیروهای طبقه کارگر برای تحمیل آن به رژیم، عملاً بدین معناست که طبقه کارگر عزم خود را برای ایفای نقش تاریخی خود در رهبری جنبش آزادیخواهان مردم ایران اعلام کرده است.

“زندانی سیاسی آزاد باید گردد”، در همان حال بدین معنی است که هیچکس نباید بخاطر ابراز مخالفت و بخاطر مبارزه علیه قدرت بورژوازی حاکم به بند کشیده شود. بدین معنی است که هیچکس نباید بخاطر فعالیت سیاسی خود، به دلیل مرام و عقیده سیاسی شان و بخاطر ابراز مخالفت و بخاطر مبارزه علیه قدرت بورژوازی حاکم به بند کشیده شود. بدین معنی است که کارگران خود در پیشاپیش مردم آزادیخواه نیروی عظیم طبقاتی شان را برای تأمین و تضمین آزادیهای فعالیت سیاسی و متحد کردن صفوف مبارزه انقلابی بسیج میکنند.

تأکید بر ضرورت تحقق این مطالبات در ۱۱ اردیبهشت روز کارگر به معنای آن است که فعالین و رهبران جنبش کارگری ایران عزم طبقه کارگر ایران برای رهبری جنبش آزادیخواهان مردم ایران را اعلام می دارند. در شرایطی که یکی از موانع و معضلات سر راه پیشروی جنبش آزادیخواهان مردم ایران نبود یک رهبری انقلابی با استراتژی سیاسی روشن است، مبارزات مستمر و جانفشانی طبقه کارگر و پافشاری بر مطالباتی که آزادی و آسایش و رفاه کل جامعه را در بر دارد در روز اول ماه مه افق روشنی بر روی مبارزات مردم ایران می گشاید. ■

سرمایه و مبادله آزادانه کالاهای تولید شده را تأمین کند، بلکه با ساختارهای ایدئولوژیک، حقوقی، اداری و سیاسی و سیاست های ماجراجویانه و برتری طلبانه اش در سطح منطقه، بحران سرمایه داری ایران را عمیق تر کرده است. این بحران ها و ناکامی ها بر متن تداوم بحران جهانی سرمایه داری، بحران در مناسبات منطقه ای و بین المللی رژیم، و ادامه تحریم ها و نیز پیامدهای فاجعه بار شیوع گسترده بیماری کرونا، اقتصاد بحران زده ایران را در معرض فروپاشی قرار داده است.

همین واقعیات اقتصادی و چشم انداز فقر و فلاکت بیشتر، رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگران و اعتراضات اقشار محروم جامعه و خیزش های سراسری از نوع خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ را اجتناب ناپذیر کرده است. در چنین شرایطی بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران نیز برای شکل دادن به آلترناتیو مورد نظر خود تلاش می کنند. اما هیچکدام از بخشهای این اپوزیسیون، راه حل واقعی برای پایان دادن به فلاکت اقتصادی توده ها و حتی برای تأمین توسعه اقتصادی مورد نظر خود نیز ندارند. راه حل این نیروها برای کنترل بحران اقتصادی، چیزی جز سپردن اداره اقتصاد کشور به دست مدیران تکنوکرات، عادی سازی مناسبات با دولتهای غربی، رفع موانع سیاسی بر سر راه ادغام بیشتر سرمایه داری ایران در بازار جهانی، اجرای برنامه های اقتصادی نئولیبرالی متکی بر بازار آزاد در داخل کشور نیست. این نوع نسخه ها برای حل بحران اقتصادی سرمایه داری ایران در حالی پیچیده می شود که مشابه آن در بسیاری از کشورها در نقاط مختلف جهان، به اجرا در آمده اند و نهایتاً چیزی جز ادامه وضع موجود و گسترش فقر و نابرابری های اجتماعی به بار نیاورده اند.

در چنین شرایطی سوسیالیسم تنها بدیلی است که می تواند افق رهایی را به روی کارگران و توده های مردم محروم ایران بگشاید. بدیل سوسیالیستی بر مبنای عینی و عملی واقع بینانه استوار است. نیروی اجتماعی متحقق کننده آن، یعنی طبقه کارگر که در روند تکامل مبارزات خود اکثریت محرومان و ستمدیگان و آزادیخواهان جامعه را با خود همراه می کند وجود دارد. آلترناتیو سوسیالیستی در مسیر پیشروی خود، در گام نخست رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون می کند. ماشین دولتی موجود را همراه با کلیه ی ارگانهای سرکوب آن درهم ➔ می شکند و حکومت شوراهای را برقرار

بحران اقتصادی در ایران هر روز عمیق تر می شود. مهمترین شاخص های اقتصادی، یعنی نرخ تورم، میزان بیکاری، نرخ رشد اقتصادی، ارزش پول ملی و عمیق تر شدن نابرابری های اقتصادی و اجتماعی نشانگر آن هستند که نه تنها از چشم انداز ثبات اقتصادی در ایران خبری نیست، بلکه همه نشانه ها از تداوم و تعمیق بحران و بی ثباتی اقتصادی حکایت دارند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران قیمت کالاهای خوراکی مورد نیاز مردم در حدود نیمی از استان های کشور بیش از ۵۷ درصد افزایش پیدا کرده است. نرخ تورم قیمت غلات و نان، گوشت، تخم مرغ و گروه لبنیات موجب سوء تغذیه و گرسنگی خانواده های کارگری و اقشار فرودست جامعه شده است. بنا به گفته رئیس اتاق بازرگانی تهران هفته ای نیست که حدود ده ها شرکت بزرگ کشور تعطیل نشوند، بطوری که تنها در عرصه نفت و پتروشیمی در سال گذشته ۸۰۰ شرکت پیمانکاری نفتی تعطیل شده اند. روند تعطیلی ها، بیکارسازیهای گسترده کارگران را به دنبال داشته است. بی جهت نیست که مرکز پژوهش های مجلس اسلامی اعلام کرده در سال گذشته بیش از ۶ میلیون فرصت شغلی از دست رفته اند. نرخ بیکاری در میان جوانان در بسیاری از استان های کشور بالای ۲۵ درصد است. بر اساس برخی از آمارها بیش از ۵۰ درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار هستند. ارزش پول ایران در برابر دلار در عرض ۱۵ ماه گذشته حدود ۶۰ درصد کاهش پیدا کرده است. سقوط ارزش ریال سقوط قدرت خرید کارگران را به دنبال داشته است. بر خلاف ادعای دولت که از رشد اقتصادی ۱۳ درصدی سخن می گوید مطابق برآوردهای صندوق بین المللی پول رشد اقتصاد ایران ۴ و نیم درصد منفی بوده است. همین منبع پیش بینی کرده است که رشد اقتصادی ایران در سال جاری هم ۵ و نیم درصد منفی خواهد بود. کسری بودجه سال ۱۴۰۰، حتی بر اساس آمارها و ارقام خوش بینانه و غیر واقعی از درآمدهای دولت، ۵ و نیم برابر سال گذشته می باشد.

رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت سرمایه داری مذهبی نه فقط قادر نیست که بحران اقتصادی سرمایه داری ایران را کنترل کند، بلکه خود عامل اصلی گسترش و تعمیق این بحران است. جمهوری اسلامی نه تنها توانسته شرایط لازم ادغام اقتصاد ایران در بازارهای رقابت جهانی، جذب سرمایه و تکنولوژی کشورهای پیشرفته و رفت و آمد آزاد

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سردبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.

* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

می سازد. حکومت شورائی وسیع ترین آزادی های بدون قید و شرط سیاسی را تأمین و تضمین می نماید. با اجتماعی کردن مالکیت بر وسائل تولید، همه ظرفیتهای اقتصادی و اجتماعی موجود در جامعه ایران را با برنامه و نقشه مند، به کار می گیرد. با رفع بیگانگی انسانها بر محصول کارشان، خلاقیت و توانائی توده های آزاد و حاکم بر سرنوشت خود را شکوفا می سازد. رفع نیازهای مردم، تأمین زندگی مرفه و شایسته انسان به هدف تولید تبدیل می شود. بدین ترتیب شکوفائی و توسعه اقتصادی واقعی ممکن می گردد، بازده کار با سرعتی غیر قابل تصور افزایش خواهد یافت، خدمات و محصولات مورد نیاز مردم در مقیاس انبوه برای رفع نیازهای مادی و معنوی انسانها تولید می شوند. مردم از امکانات یکسان و فراوان برای رشد استعداد و توانائی های فردی برخوردار خواهند بود و توانائی های فردی شکوفا میشوند، در چنین جامعه ای آزادی و رفاه هر فرد شرط آزادی و رفاه همگان خواهد بود، مبارزه برای بقای فردی خاتمه می یابد و انسان ها

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

بگذارید ابتکارات، ادعائنامه و فراخوانهای ما

علیه نظام سرمایه داری در اول ماه مه

هزاران مبارز جدید را به

سوی سوسیالیسم راهی بخش کارگران جلب کند

و نیروی ما را در تیرد عظیم برای رهایی زحمتکشان و

آزادی

مردم ایران از شر فساد رژیم جمهوری اسلامی و از یوغ

سرمایه افزون نماید.

زنده باد اول ماه مه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳

۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷

۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸

۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکشر)

takesh.komalah@gmail.com

بخشی از برنامه های نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت اول ماه مه

گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر:

سمیناری از طرف "تشکیلات استکھلم حزب کمونیست ایران" (به زبان کردی):

با شرکت عمر میانی، صدیق اسماعیلی، پدرام نصرالهی، فرامرز قربانی، شیوا سبحانی، صدیقه محمدی، اختر کمانگر و محمد کمالی
زمان: چهارشنبه ۲۸ آوریل ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی و ساعت ۲۱:۳۰ به وقت ایران
در شبکه مدیایی Peshrawcpiran

اول ماه مه و جنبش کارگری در ایران

سمینار از طرف "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" در زوم و دیگر شبکه های اجتماعی

سمینار اول:

جمعه ۲۳ آوریل ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی

سخنرانان:

اصلان جوادزاده: از سازمان فداییان اقلیت

آرش حسامی: از سازمان اتحاد فداییان کمونیست

نسرین ابراهیمی: از سازمان راه کارگر

سمینار دوم:

جمعه ۳۰ آوریل ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی

سخنرانان:

محمود قهرمانی: از حزب کمونیست ایران

سعید یگانه: از حزب حکمتیست

ناصر پیشرو: از هسته اقلیت



گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر:

سمینار از طرف "کمیته برگزار کننده سمینار اول ماه مه"

سخنرانان:

ابوب رحمانی: نگاهی به مبارزات و اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۹

بهروز فراهانی: اشکال سازماندهی جنبش طبقه کارگر در دوران کنونی

خسرو بوکانی: موانع تشکل یابی طبقه کارگر در ایران

زمان: پنجشنبه ۲۰ آوریل ساعت ۱۸:۳۰ به وقت اروپای مرکزی

مکان: شبکه جهانی زوم و دیگر شبکه های اجتماعی



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر:

سمیناری از طرف "شورای استکھلم" با شرکت نیروهای چپ

بهروز خباز: سخنی پیرامون سازمانیابی شورایی در مسیر آلترناتیو کارگری

شورش مولایی: پیامی از طرف تشکیلات استکھلم حزب کمونیست ایران

پیام و سخنان احزاب و سازمانهای چپ و سوسیالیست سوئدی و ایرانی

ترانه و سرود از طرف آرون از فعالین سوسیالیست تشکل قدرت کارگری

پخش کلیپ و اخبار روز و فرصت برای پرسش و پاسخ شرکت کنندگان

زمان: شنبه اول ماه مه ساعت ۱۷:۰۰ به وقت اروپای مرکزی

مکان: شبکه زوم و دیگر شبکه های اجتماعی